

نقش ورزش در گسترش مناسبات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران

(۱۳۷۶-۱۳۹۲)

فاطمه شاه‌رضایی^۱

رضا شیرزادی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۹/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۴

در این پژوهش، به بررسی نقش ورزش در گسترش مناسبات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۹۲ پرداخته شده است. روش تحقیق مورد استفاده، تحلیلی-توصیفی بوده و اطلاعات مورد نیاز، با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و ابزار پرسش‌نامه محقق ساخته و مصاحبه گردآوری شده است. در بخش پرسش‌نامه، جامعه آماری شامل مدیران ورزشی، صاحبان کرسی‌های بین‌المللی ورزشی، ورزشکاران ملی و قهرمانان و کارشناسان ورزشی و بین‌المللی و در بخش مصاحبه شامل مدیران ورزشی و صاحبان کرسی‌های بین‌المللی ورزشی بوده و روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند و غیر احتمالی اعمال گردیده است. روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه محقق ساخته، مورد تایید قرار گرفته و هم‌چنین برای بررسی پایایی پرسش‌نامه، بر اساس داده‌های گردآوری شده از معیار آلفای کرونباخ استفاده شده است، مقدار ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۹ به دست آمده که نشان از پایایی مناسب پرسش‌نامه است. داده‌های گردآوری شده از طریق پرسش‌نامه نیز توسط نرم‌افزار SPSS مورد پردازش قرار گرفت. هم‌چنین از آزمون تی دو نمونه‌ای استفاده شده است. مطالعات اولیه پیرامون مباحث نظری موضوع در حوزه ورزش، سیاست و روابط بین‌الملل در سطح کلان و نیز سیاست خارجی کشور طی این سال‌ها صورت گرفته و سپس به بررسی نقش ورزش در عرصه روابط و مناسبات بین‌المللی ایران (تفکیک شده در دوره ۱۳۷۶-۱۳۸۴ و ۱۳۸۴-۱۳۹۲) پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده تاکید و توجه بیشتر به نقش ورزش در توسعه روابط دوستانه و گسترش همکاری‌ها با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی در دوره

^۱ کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، کرج، ایران

^۲ دکترای علوم سیاسی و عضو هیات علمی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، کرج، ایران (نویسنده مسئول)

اول مورد بحث (سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۴) به دلیل نقش عوامل فرهنگی، قدرت نرم و تعامل در سیاست خارجی و توجه به ورزش به عنوان ابزاری در جهت ارتقای پرستیژ بین‌المللی کشور با کسب موفقیت‌ها و افتخارات در صحنه‌های ورزشی بین‌المللی و نمایش قدرت در دوره دوم مورد بحث (سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۲) است.

واژگان کلیدی: ورزش، روابط بین‌الملل، گسترش همکاری‌ها، دیپلماسی ورزشی، پرستیژ بین‌المللی، مجامع و نهادهای بین‌المللی ورزشی

مقدمه

روابط بین‌الملل به عنوان یکی از حوزه‌های مطالعاتی مهم، طی سده گذشته فراز و نشیب بسیاری را پشت سر گذاشته و با دگرگونی‌های محتوایی و شکلی متنوعی روبه‌رو بوده است؛ در این راستا نمی‌توان به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های این رشته مطالعاتی در پرداختن به طیف گوناگونی از موضوعات بی‌توجه بود. ورزش یکی از حوزه‌هایی است که کارکردهای آن در عرصه سیاست، اجتماع، اقتصاد و فرهنگ و تاثیرات آن در روابط بازیگران بین‌المللی، امروزه تا حدودی مورد توجه صاحب‌نظران و پژوهشگران این حوزه قرار گرفته است، هرچند در قیاس با سایر مقولات و موضوعات مورد مطالعه در روابط بین‌الملل، با نوعی خلا علمی، غفلت و کم‌توجهی پژوهشگران همراه بوده است. لورمور و بودر در کتاب "ورزش و روابط بین‌الملل" ضمن اشاره به سابقه بی‌اعتنایی روابط بین‌الملل به تحلیل علمی جدی ابعاد بین‌المللی ورزش، بیان می‌دارند ورزش به عنوان بخشی مهم از نظام بین‌الملل، هم‌زمان، از آن تاثیر گرفته و در آن تاثیر می‌گذارد و فهم عمیق پویایی ورزش جهانی، مقوم فهم بیشتر محیط بین‌المللی است (لورمور و بودر، ۱۳۹۳: ۴-۶).

در این راستا مطالعه علمی و شناخت کارکردهای ورزش در عرصه روابط بین‌دولت‌ها و سایر بازیگران بین‌المللی ضروری می‌نماید. با عنایت به اهمیت موضوع و کمبود مطالعات مربوطه در ایران، "نقش ورزش در گسترش مناسبات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۷۶" به عنوان موضوع مورد پژوهش انتخاب گردیده است تا ضمن بررسی علمی موضوع مورد بحث با مطالعه مولفه‌ها و متغیرهای دخیل، بتوان نسبت به شناسایی موانع و چالش‌های موجود، ارایه راه‌کارها و پیشنهادهای علمی و کاربردی در جهت رفع آن‌ها در یک بستر زمانی مشخص، بسترسازی برای انجام مطالعات و پژوهش‌های آتی در جهت تکمیل و غنای بحث و تداوم این حوزه مطالعاتی اقدام نمود.

برای تحقق این مهم، مزاد بر بررسی کلی موضوع در چارچوب تئوریک و نیز بیان مصادیق جهانی آن در گذر تاریخ، سیاست خارجی ایران، رویکردهای حاکم بر آن و روابط بین‌المللی ایران طی سال‌های مورد بحث به تفکیک در دو دوره ۱۳۸۴-۱۳۷۶ و ۱۳۹۲-۱۳۸۴ مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و سپس به بررسی نقش‌آفرینی ورزش در عرصه روابط و مناسبات بین‌المللی ایران در هر دوره پرداخته شد.

در خصوص پیشینه تحقیق باید گفت متون بسیار کمی از روابط بین‌الملل به ورزش اختصاص یافته و مطالعات و پژوهش‌ها در ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. از کتاب‌ها و مقالات منتشر شده در این

حوزه می‌توان به کتاب "ورزش و روابط بین‌الملل" به قلم راجر لورمور و آدرین بودر (۲۰۰۴) و انتشار ترجمه فارسی آن (۱۳۹۳)، مقاله افشین زرگر (۱۳۹۴) با عنوان "جنبه‌های مختلف ارتباط ورزش و روابط بین‌الملل"، مقاله "نقش تبعی و تسریع‌کننده ورزش در فراهم‌کردن شرایط صلح در بین دولت‌ها" (مهدی محمدی عزیز آبادی و رضا التیامی‌نیا، ۱۳۹۴)، مقاله "دیپلماسی ورزشی بین ایران و آمریکا" نوشته هوشنگ شهابی (۱۳۸۳)، مقاله "ورزش و سیاست" (۱۳۸۸) به قلم مصطفی ملکوتیان، مقاله "ورزش از دیدگاه مکتب فرانکفورت" (۱۳۸۸) به قلم سید شهاب‌الدین ساداتی، کتاب "سیاست و ورزش" نوشته محمود گودرزی، حسن اسدی، محمد خبیری و مرتضی دوستی (۱۳۹۱)، کتاب "فوتبال علیه دشمن" (سایمون کوپر، ۱۳۸۹) و تحقیق "ورزش و سیاست بین‌المللی" (مسعود اخوان کاظمی، ۱۳۷۸) اشاره نمود. از دیگر تحقیقات انجام شده مواردی چون: ورزش، سیاست و ملت جدید (Kim:2001)، ورزش و سیاست در نروژ (Bergsagard and Rommetvedt:2006)، سیاست دیپلماسی و اتحاد مجدد دو کره: یک ملت، دو کشور و سه پرچم (Merkel:2008)، ملی‌گرایی، سیاست کلان و ورزش (Buckel:2008)، ترکیب ورزش و سیاست: پوشش رسانه‌ای فوتبال جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه، رقابت ایران در برابر آمریکا (Delgado:2003)، ورزش و سیاست (Hill:2003)، دیپلماسی پینگ‌پنگ (Griffin,2014) و دیپلماسی ورزشی (Ushkovska and Petrushevskaja:2015) قابل ذکر است.

روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر، روش تحقیق مورد استفاده تحلیلی - توصیفی بوده و نسبت به گردآوری اطلاعات مورد نیاز با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و همچنین ابزار پرسش‌نامه محقق ساخته و مصاحبه اقدام گردیده است. داده‌های گردآوری شده از روش پرسش‌نامه با استفاده از نرم‌افزار SPSS پردازش شده و جهت تحلیل و بررسی یافته‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی بهره گرفته شده است. برای مقایسه نتایج مرتبط با موضوع طی سال مورد بحث در این پژوهش نیز از آزمون تی دو نمونه‌ای استفاده شده است. به منظور اطمینان از اعتبار صوری و اعتبار محتوای شاخص‌های پرسش‌نامه این پژوهش، روایی پرسش‌نامه‌ای محقق ساخته با کسب نظر جمعی از اساتید و متخصصان حوزه مربوطه به‌ویژه مسئولان مرتبط با امر ورزش تایید گردید. بر همین اساس نیز برای بررسی پایایی پرسش‌نامه بر اساس داده‌های گردآوری شده از معیار آلفای کرونباخ استفاده شد و مقدار ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۹ به دست آمد که نشان از پایایی مناسب پرسش‌نامه است.

در گام آخر نیز مصاحبه‌های کیفی با افراد دارای سابقه اجرایی در حوزه مدیریت ورزشی و حضور در مجامع بین‌المللی انجام گردید و دیدگاه‌ها، نظرات و تجربیات ایشان در راستای اهداف پژوهش مورد تحلیل و بهره‌روی قرار گرفت که بی‌تردید مکمل و مقوم سایر مباحث مطروحه، موثر در توصیف و تحلیل موضوع مورد تحقیق و قابل اعتنا در تایید یا رد انگاره‌ها و فرضیات پژوهش بوده است.

با توجه به موضوع مورد مطالعه و شاخص‌های تخصصی آن، برای ارزیابی دقیق‌تر جامعه آماری خاصی مد نظر بوده است؛ به طوری که در بخش «پرسش‌نامه» جامعه آماری این پژوهش شامل مدیران ورزشی، صاحبان کرسی‌های بین‌المللی ورزشی، ورزشکاران ملی و قهرمانان و کارشناسان ورزشی و بین‌المللی و در بخش «مصاحبه» شامل مدیران ورزشی و صاحبان کرسی‌های بین‌المللی ورزشی بوده است و روش نمونه‌گیری نیز به صورت هدفمند و غیر احتمالی (۳۶ نفر در پرسش‌نامه و ۹ نفر در مصاحبه) اعمال گردیده است. هرچند در نمونه‌گیری برخی محدودیت‌های جامعه آماری دخیل بوده، ولی به میزان زیادی به برخورداری حداکثری افراد از تجربه در حوزه ورزشی، سابقه اجرایی در مدیریت ورزش و حضور در عرصه‌های بین‌المللی ورزشی توجه و تاکید شده است.

چارچوب نظری

در این پژوهش نظر به امکان گسترش همکاری‌ها، برقراری روابط دوستانه، توسعه، ایجاد صلح، کاهش تعارضات و تنش‌ها از طریق ورزش و قابلیت‌های این حوزه میان بازیگران دولتی و غیردولتی نظام بین‌الملل، نظریه لیبرالیسم به دلیل مفاهیم و تاکیدات ماهوی آن بر رویکردهای صلح‌جویانه، همگرایی و گسترش همکاری‌ها در حوزه روابط و مناسبات بین‌المللی، اعتقاد به هماهنگی منافع ملی و بین‌المللی، پررنگ کردن نقش نهادها و سازمان‌های فراملی و رژیم‌های بین‌المللی و تاکید بر عواملی که افراد انسانی را به یکدیگر پیوند می‌دهد (قوام، ۱۳۹۳) مورد توجه و استفاده قرار گرفته است.

همبستگی و یکپارچگی ملی، یکی از شاخصه‌های اصلی دولت-ملت سازی است و ورزش ابزاری مناسب برای افزایش غرور و تقویت هویت، همبستگی و یکپارچگی می‌باشد. هم‌چنین می‌توان به نقش ورزش در "ایجاد ملی‌گرایی‌های جدید و دولت‌های ملی به‌ویژه در تلاش برای قانونی‌ساختن تشکیل یک دولت با به رسمیت شناختن آن" اشاره نمود (لورمور و بودر، ۱۳۹۳: ۲۲). به بیان دیگر، پذیرش ورزش یک کشور از سوی سایر کشورها و سازمان‌ها می‌تواند زمینه‌ساز پذیرش سیاسی آن‌ها به صورت رسمی باشد مانند فوتبال الجزایر (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۸).

برخی دولت‌ها نیز از رویدادهای ورزشی در کنترل و انحراف افکار عمومی جامعه خود نسبت به شرایط نامناسب داخلی و یا نارضایتی‌های موجود آنان بهره برده‌اند. در این زمینه می‌توان به عراق در دوره صدام و برگزاری لیگ فوتبال این کشور و رقابت‌های «جام مادر همه نبردها» اشاره نمود (کوپر، ۱۳۹۳: ۴۱۰). در عرصه بین‌الملل هم استفاده از ورزش در گسترش ایدئولوژی با هدف جهت‌دهی و ایجاد مقبولیت در افکار عمومی جهانی قابل ذکر است. از جمله این موارد، نسبت‌دادن موفقیت‌های ورزشی در عرصه بین‌الملل به امتیازات نظام سیاسی و ایدئولوژی مارکسیستی از سوی شوروری (التیامی‌نیا و محمدی عزیزآبادی، ۱۳۹۴: ۱۵۷)، پیروزی آمریکا در برابر شوروی در فینال قهرمانی شطرنج جهان در سال ۱۹۷۲ بعد از ۴۵ سال قهرمانی روس‌ها در شطرنج جهان و تعبیر آمریکا از این موضوع به عنوان پیروزی ایدئولوژی خود در برابر ایدئولوژی شوروی (ساداتی، ۱۳۸۸: ۶۰)، المپیک ۱۹۳۶ برلین و استفاده هیتلر از این میزبانی در جهت تبلیغ و ترویج نمادها و ایدئولوژی سیاسی خود (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۹-۵۰) است.

زرگر نیز به نقش ورزش در مدیریت و کنترل تنش‌ها و آشوب‌های قومی قبیله‌ای به دلیل انتقال هیجان‌ات و احساسات ناشی از تضادهای هویتی و منطقه‌ای از حوزه سیاسی به میدان رقابت ورزشی اشاره نموده است و در این زمینه از تیم فوتبال بارسلونا به عنوان نماد خاص مردم جدایی طلب کاتولینا و قرار گرفتن آن مقابل تیم فوتبال رئال مادرید به عنوان نماد حکومت مرکزی اسپانیا یاد می‌کند (زرگر، ۱۳۹۴: ۳۷). از سوی دیگر، ورزشگاه‌ها در مواردی به مثابه محیط‌هایی برای نمایش اعتراضات سیاسی مورد استفاده قرار گرفته است. برای مثال، آخرین نشانه نارضایتی و خشم مردم لیبی علیه دولت قذافی طی یک بازی در طرابلس در سال ۱۹۹۶ و بعد از به ثمر رسیدن یک گل بحث‌انگیز توسط تیم مورد حمایت پسران قذافی در قالب شورش، شعار دادن تماشاچیان علیه قذافی و تیراندازی پسران قذافی و کشته شدن تعدادی از مردم صورت گرفت (کوپر، ۱۳۹۳: ۴۱۱).

هم‌چنین، می‌توان از استفاده از ورزش در جهت ایجاد مشروعیت و مقبولیت یک نظام حکومتی نزد مردم مانند اعلام میزبانی جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین از سوی فیفا و استفاده نظامیون از این رویداد در سال ۱۹۷۴ برای مشروع ساختن قانون خود (لورمور و بودر، ۱۳۹۳: ۵۷) و تاثیر پیروزی ورزشی در عرصه بین‌المللی در تثبیت و تحکیم شرایط سیاسی آن کشور یا دولت حاکم مانند نقش پیروزی تیم ملی فوتبال برزیل در مسابقات جام جهانی ۱۹۷۰ و یا تیم ملی فوتبال آرژانتین در مسابقات جام جهانی ۱۹۷۸ در حفظ نظام‌های دیکتاتوری حاکم تا مدتی (ملکوتیان، ۱۳۸۸: ۳۱) یاد نمود.

افزون بر این موارد، تمایل افراد سیاسی برای قرارگرفتن در یک عکس یا دیده شدن در جامعه در کنار ورزشکاران محبوب به خصوص در ایام نزدیک به انتخابات (ملکوئیان، ۱۳۸۸: ۳۰۶)، تمایل ورزشکاران و قهرمانان برای ورود به عرصه سیاست با استفاده از محبوبیت خود مانند چیلورت در پاراگوئه و پیشرفت او تا مرحله دوم انتخاباتی سال ۲۰۰۶ و رقابت انتخاباتی کاسپاروف شطرنج باز روسی با پوتین (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۷)، سهم ورزش در توسعه و رشد اقتصادی کشورها به دلایلی چون میزبانی رویدادهای بین‌المللی ورزش و توریسم ورزشی (زرگر، ۱۳۹۴: ۳۲) قابل ذکر است.

هم چنین باید به نقش پیروزی‌های ورزشی در ارتقای پرستیژ و منزلت بین‌المللی کشورها اشاره نمود. "از نظر مورگنتا، پرستیژ از تجلیات معطوف به قدرت در صحنه بین‌الملل محسوب می‌شود و از آن به نام سیاست پرستیژ یاد می‌کنند" (اسماعیلی، ۱۳۸۹). او سیاست پرستیژ را نمایش قدرت می‌داند که جنبه ابزاری دارد؛ یعنی می‌تواند در خدمت حفظ یا افزایش قدرت استفاده شود (پایگاه تخصصی سیاست بین‌الملل، ۱۳۹۴).

هم‌چنین، رویدادی چون المپیک که با نگاهی به دور از ارزش‌گذاری بر نژاد، زبان، ملیت و جنسیت در سطح جهان برگزار می‌شود، یکی از معدود مراسم جهانی است که در ذات خود مزین به اندیشه صلح و برابری است. "نقش ورزش در ایجاد صلح یکی از بحث‌انگیزترین موضوعات در حوزه ورزش و توسعه است. ورزش و فعالیت‌های ورزشی برای مساعدت به مردم در شرایط جنگ و مناقشه و پس از جنگ، به منظور بازسازی ارتباط و اعتماد بین جوامع مورد استفاده قرار گرفته است. " (International Platform).

(on Sport and Development: 2015) در این زمینه می‌توان به ایده احیای مفهوم آتش‌بس المپیکی در خصوص المپیک یونان باستان، در راستای زبان انترناسیونالیسم صلح‌آمیز در نهضت المپیک و اجرای نمادین آن در ۲۴ ژانویه ۱۹۹۴ در بازی‌های زمستانی لیل‌هامر اشاره نمود (لورمور و بودر، ۱۳۹۳: ۱۳۱-۱۳۲). نقش ورزش در ایجاد صلح مورد توجه سازمان ملل متحد نیز قرار گرفته که از مصادیق آن، صدور چندین قطع‌نامه به پاس مشارکت کمیته بین‌المللی المپیک^۱ در بهبود وضع انسان و صلح است که به ترویج و ارتقای آرمان المپیک و آتش‌بس المپیک یاری می‌رساند. به علاوه می‌توان از اقدام IOC در انجام فعالیت‌های صلح‌آمیز در کنار ماموریت‌های صلح‌بانی ملل متحد در کشورهای درگیر (سجادی، ۱۳۹۲: ۹۰-۸۹)، فعالیت دفتر ملل متحد در زمینه ورزش برای صلح و توسعه^۲ و سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی

¹ International Olympic Committee (IOC)

² UNOSDP

ملل متحد (یونسکو)^۲ که موضوع ورزش برای صلح و توسعه پایدار را دنبال می‌کند یاد کرد (وبسایت کمیسیون ملی یونسکو، ۱۳۹۴).

باید توجه داشت "با این‌که ورزش به تنهایی نمی‌تواند یک مناقشه و کشمکش بحرانی را رفع یا متوقف نماید، نشان‌گر یک واسطه و وسیله منعطف و مقرون به صرفه برای کار امداد رسانی پس از جنگ و ایجاد صلح به علاوه جلوگیری از درگیری و مناقشه می‌باشد." (United Nations Office on Sport for Development and Peace – UNOSDP: 2015).

دیپلماسی ورزشی، یکی از دیگر وجوه مهمی است که در حوزه رابطه ورزش و روابط بین‌الملل تعریف می‌شود. "اگر دیپلماسی را فن مدیریت تعامل با جهان خارج توسط دولت‌ها بدانیم، ابزارها و ساز و کارهای متعددی برای اعمال این مدیریت می‌توان به کار گرفت" (حسن‌خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۶) که ورزش یکی از این ابزارهاست. دیپلماسی "چارچوبی اساسی در اختیار دولت‌ها می‌گذارد تا در هرگونه فعالیت غیرقهرآمیز بین‌المللی مشارکت کنند. بدون دیپلماسی آن‌ها گوشه‌نشین خواهند شد یا جز جنگ گزینه خارجی دیگری نخواهند داشت" (گریفتس، ۱۳۹۰: ۵۲۹-۵۳۱). ریوردن (۲۰۰۴) نیز بر این باور است که دیپلماسی قرن ۲۱ به شکل فزاینده‌ای به سمت دیپلماسی عمومی در حرکت است (دهقانی فیروزآبادی و فیروزی، ۱۳۹۱: ۸۶).

دیپلماسی ورزشی به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های دیپلماسی عمومی می‌تواند در بسیاری از موارد زمینه‌ساز توسعه و گسترش همکاری‌ها و روابط دوستانه، تسهیل و تسریع ایجاد یا ترمیم روابط، کاهش منازعات و تنش‌ها و افزایش سطح و تاثیرگذاری شده و روابط بین‌الملل را به سوی همکاری بیشتر بازیگران دولتی و غیردولتی سوق دهد. هم‌چنین، بهره‌گیری از دیپلماسی ورزشی در شرایط خاص می‌تواند زمینه‌ساز کاهش محدودیت‌ها، موضع‌گیری‌های خصمانه، تهدیدات و انزوای کشورها باشد. "در هر صورت باید توجه داشت که دیپلماسی عمومی از اهداف سیاست خارجی و اهداف دیپلماسی سنتی حمایت می‌کند" (هادیان و احدی، ۱۳۸۸: ۷). از سوی دیگر، دولت‌ها از دیپلماسی ورزشی به عنوان اهرم فشار بر دیگر کشورها یا برای اعلام مخالفت خود نسبت به آن‌ها استفاده نموده‌اند که نمونه آن تحریم‌های المپیکی است (زرگر، ۱۳۹۴: ۲۲-۲۳).

² UNESCO

"در صورتی که دیپلماسی عمومی بتواند افکار عمومی کشورها را به هم نزدیک نماید، بسیاری از این تضادها می‌تواند به صورت مسالمت‌آمیز حل و فصل شود. در حقیقت یکی از پیامدهای دیپلماسی عمومی را می‌توان کاهش تضادها دانست که یکی از کارویژه‌های سیاست خارجی می‌باشد" (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰: ۱۵۲ و ۱۵۳) که ورزش می‌تواند در این خصوص ایفای نقش کند.

"دیپلماسی ورزشی زیر چتر بسیط دیپلماسی عمومی قرار می‌گیرد و شامل فعالیت‌های نمایندگان و اقدامات دیپلماتیک صورت گرفته توسط افراد ورزشی از طرف دولت‌هایشان و در پیوستگی با آنها می‌باشد. این عمل تسهیل‌گر دیپلماسی سنتی است و از افراد و رویدادهای ورزشی برای معطوف کردن نظرات، اطلاع‌رسانی و ایجاد تصویر مطلوب میان افکار عمومی خارجی و سازمان‌هایشان به منظور شکل دادن به ادراک آنان استفاده می‌کند؛ به طوری که بیشترین سودمندی را برای اهداف سیاست خارجی دولت اعمال کننده دارد" (Murray, 2011: 8).

دیپلماسی ورزشی با توجه به توانایی خود در افزایش و توسعه گفت‌وگو و تفاهم فرهنگی بین مردم در سراسر جهان، از شور و شوق جهانی در موضوع ورزش به عنوان راهی برای فراتر رفتن و گذشتن از تفاوت‌های زبانی و اجتماعی-فرهنگی و نزدیکی مردم به یکدیگر استفاده می‌کند (The Bureau of Educational and Cultural Affairs, 2015). از نمونه‌هایی که ورزش در خدمت دیپلماسی به منظور حل و فصل اختلافات سیاسی قرار گرفته، دیپلماسی پینگ‌پنگ در دوره جنگ سرد بین آمریکا و چین (Griffin, 2014) و دیپلماسی کریکت بین هند و پاکستان (Ahmad Shahid and Perveen, 2015) قابل اشاره است.

قدرت نرم نیز رابطه نزدیکی با مفهوم دیپلماسی دارد (هادیان و احدی، ۱۳۸۸: ۱۰۱) و به عنوان منبع اساسی دیپلماسی عمومی و شیوه‌ای جدید از اعمال قدرت در مقایسه با شیوه‌های سنتی با توانایی شکل یا تغییر دادن ترجیحات و اولویت‌های دیگران می‌باشد (آشنا و جعفری، ۱۳۸۶: ۲۰۱). "ورزش می‌تواند به عنوان ابزار قدرت نرم در هر دو سطح بین‌المللی و داخلی به کار رود. صلح و ملت‌سازی می‌تواند از طریق چهار مکانیسم دیپلماسی ورزشی و سیاست حاصل شود: تصویرسازی، ایجاد یک بستر و تریبون برای گفت‌وگو، اعتمادسازی و مصالحه، سازش، یکپارچه‌سازی و ضدیت با نژادپرستی. با این حال، این مکانیسم‌ها به طور قطعی قابل کنترل نیستند و می‌توانند عواقب ناخواسته‌ای هم داشته باشند." (Nygård and Gates, 2013)

پژوهش مرکل نیز با عنوان "سیاست دیپلماسی ورزشی و اتحاد مجدد دو کره: یک ملت، دو کشور و سه پرچم" بیانگر این نتیجه بوده که ورزشکاران، مربیان و مدیران ورزشی در قامت دیپلمات‌های دو کشور می‌توانند در عرصه سیاسی بین دو کشور و پیوند دوباره آن‌ها ایفای نقش نمایند (Merkel, 2008). همچنین، ورزش به عنوان ابزار دیپلماسی بیش از همیشه به عنوان بخشی از استراتژی‌های رسمی برای ترفیع و پیشرفت کشورها و منافع و مصالح سیاسی آن‌ها تبدیل شده است؛ دیپلماسی ورزشی در حال حاضر در دستور کار بزرگ‌ترین اقتصادهای توسعه یافته قرار دارد و قدرت‌های بزرگ از آن استفاده می‌کنند (Ushkovska and Petrushevska, 2015: 92). استراتژی دیپلماسی ورزشی استرالیا نیز به عنوان یک رویکرد و رهیافت حکومتی معرفی شده که فرصت‌های ارتباطات مردم با مردم، توسعه، فرهنگ، تجارت، سرمایه‌گذاری، آموزش و توریسم را به حداکثر خواهند رساند (Australian Sport

Diplomacy Strategy, 2015-2018)

از سوی دیگر، "نشانه‌شناسی دیپلماسی ورزشی، متشکل از مجموعه از نشانه‌های پیچیده و تاثیرگذار بر یکدیگر است. یک مسابقه ورزشی می‌تواند این نشانه‌ها را به مخاطبانش انتقال دهد. در مرتبه نخست، برگزاری مسابقه بین دو کشوری که برای مدتی با یکدیگر اختلاف داشتند، می‌تواند علامت ملموسی باشد از این امر که رهبران دو کشور درصدد تعریف مجدد و بازبینی روابطشان هستند" (شهابی، ۱۳۸۳: ۹). لازم به ذکر است ساختارهای ورزشی هر کشور که بیانگر نحوه راهبرد ورزش آن کشور است، میزان دخالت دولت و حکومت را در ورزش آشکار می‌کند (گودرزی، ۱۳۹۱: ۷۳).

سیاست خارجی ایران طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۹۲

نتایج حاصل از مطالعات در خصوص دوره اول مورد بحث این پژوهش (۱۳۷۶-۱۳۸۴) حاکی از آن است که با آغاز به کار دولت وقت، فصل جدیدی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران آغاز گردید؛ به نوعی که سیاست خارجی ضمن تداوم در اصول محوری خود، سیاست تنش‌زدایی و اعتمادسازی را در صدر هرم اولویت‌های خود می‌نشانند و با پذیرش هنجارهای بین‌المللی، درصدد عادی‌سازی و بهبود روابط خود با دیگر کشورهای جهان، سازمان‌های بین‌المللی و گسترش و تعمیق همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی برمی‌آید. از این‌رو، با تمایل سیاست خارجی به دکترین ائتلاف‌سازی، روابط و مناسبات کشور با سایر بازیگران نظام بین‌الملل نیز دستخوش تغییر و بهبودی می‌گردد (باقری دولت‌آبادی و شفیعی، ۱۳۹۳: ۱۵۷ و ۱۶۹). در این دوره با تغییر گرایش سیاست خارجی از حالت مقابله به مصالحه، بستری مناسب فراهم

گردید تا با طرح و اجرای سیاست تنش‌زدایی، توسعه و ارتقای سطح روابط با سایر بازیگران نظام بین‌الملل حاصل شود. هرچند سیاست عادی‌سازی روابط خارجی از دوره قبل (دولت سازندگی) نیز به تدریج در دستور کار دولت قرار گرفته بود و به نوعی اعمال می‌گردید، اما در این دوره در شکل و ابعاد جدی‌تر، به صورت سازمان‌یافته‌تر، با برخورداری بیشتر از پشتوانه مردمی و برداشتی مصالحه‌جو تر ادامه یافت (ازغندی، ۱۳۸۹: ۹۲-۸۸).

مفهوم تنش‌زدایی در چارچوب عزت، حکمت و مصلحت این است که ایران در سیاست خارجی خود به دنبال رفع سوء تفاهم‌های انباشته شده از گذشته و خاتمه دادن به هر نوع از تنازع و کشمکش بین‌المللی است و برای تامین و حفظ امنیت خود، نه تنها نسبت به واقعیات‌های موجود بین‌المللی بی‌تفاوت نیست، بلکه به آن‌ها توجه لازم را مبذول می‌دارد، چرا که به‌هنگام بودن سیاست خارجی، نیازمند برخورد برنامه‌ریزی شده و به روز با نظام بین‌الملل و بازیگران آن است. از این رو، اهداف سیاست تنش‌زدایی ایران «تامین، تقویت، توسعه و تثبیت امنیت و منافع ملی» اعلام می‌شود و تاکید می‌گردد «سیاست تنش‌زدایی به معنی غفلت و ناهوشیاری در برابر تهدیدها نیست، بلکه شناخت مرزهای دشمنی و تلاش برای تقویت دوستی‌ها و جنبه‌های اشتراک و هوشیاری در برابر تهدیدها» است (ازغندی، ۱۳۷۸: ۱۰۴۵-۱۰۴۴).

در جمع‌بندی مطالعات می‌توان دکترین سیاست خارجی این دوره را در چارچوب عزت، حکمت و مصلحت مبتنی بر اصول تنش‌زدایی و اعتمادسازی در روابط منطقه‌ای و جهانی، پذیرش هنجارهای بین‌المللی، تلاش برای مشارکت و ایفای نقش در فرآیندهای هنجارسازی بین‌المللی، تاکید به عوامل فرهنگی و قدرت نرم‌افزاری، تعامل‌گرایی با نگاه به منافع و مصالح ملی، همزیستی مسالمت‌آمیز، "دوری‌گزیدن از دشمن‌تراشی و طرح شعارهای پرخاش‌گرانه و تحریک‌کننده" (ازغندی، ۱۳۷۸: ۱۰۴)، مشارکت فعال و موثر با سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی، گشودن ابواب گفت‌وگو و تفاهم به روی جهان، تاکید بر مفاهیم و گفت‌وگوهای دو و چند جانبه به‌جای سیاست انتقادی و قهرآمیز با نظام بین‌الملل، استفاده از فرصت‌های بین‌المللی و کاهش هزینه‌های سیاسی در گستره بین‌الملل، توسعه و ترویج اهداف صلح‌طلبانه، پذیرش کثرت‌گرایی جهانی و نیز اتخاذ رویکرد و مواضع تفاهم‌جویانه در چارچوب منافع مشترک و احترام متقابل برشمرد. از این رو، نظریه گفت‌وگوی تمدن‌ها در سطح جهانی مطرح و ارایه گردید و جلب توجه و واکنش مثبت بازیگران بین‌المللی را در پی داشت.

هم‌چنین به دلیل توجه به عوامل فرهنگی و وجه نرم‌افزاری قدرت، بهره‌گیری از قدرت نرم در سطح بین‌المللی مورد توجه بوده که از موارد قابل اشاره "تغییر از رویکردهای سخت‌افزاری و صدور انقلاب به رویکرد نرم‌افزاری و بین‌الذهانی" (ازغندی، ۱۳۸۹: ۱۱۴) است. به بیان دیگر، "در گفتمان عمل‌گرایی فرهنگ‌محور این دوره که مبتنی بر عقلانیت و اخلاق ارتباطی است و بر گفت‌وگوی بین‌الذهانی و مفاهیم و حق انتخاب آزاد و غیراجباری انسان‌ها تاکید می‌ورزد، دال صدور انقلاب مدلول و مفهومی کاملاً آزادانه و داوطلبانه می‌یابد... در حقیقت، صدور انقلاب ماهیتی نرم‌افزاری و بین‌الذهانی دارد، نه سخت‌افزاری و فیزیکی. آرمان‌ها و اندیشه‌های انقلاب اسلامی که در قالب عدالت‌خواهی، آزادی‌طلبی، مردم‌سالاری، صلح‌طلبی و... تجلی و نمود پیدا می‌کنند، نیازی به صدور فیزیکی ندارند، بلکه این ارزش‌ها اگر در چارچوب مردم‌سالاری دینی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران غایت و فضیلت یابند، به‌طور طبیعی در عصر گفت‌وگوی تمدن‌ها آزادانه از سوی ملل دیگر مورد پذیرش قرار می‌گیرند. لذا مهم‌ترین وظیفه تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌پردازان در ایران برای صدور انقلاب، تلاش برای عملی‌ساختن این آرمان‌ها در داخل است" (دهقانی فیروزآبادی و تاجیک، ۱۳۸۲: ۷۵-۷۴).

از سوی دیگر، برخی معتقدند سیاست تنش‌زدایی و گفت‌وگوی تمدن‌ها توانست به افزایش قدرت ملی و قدرت نرم‌افزاری ایران در عرصه بین‌المللی بینجامد که از نتایج قدرت نرم‌افزاری در این دوره، مواردی چون: ارتقای جایگاه و اعتبار کشور در نظام بین‌الملل، تغییر نگرش نسبت به دولت و ملت ایران، بهبود و تقویت رابطه با کشورهای اروپایی و منطقه و جذب سرمایه‌گذاری خارجی قابل ذکر است (هرسیج و ملایی، ۱۳۸۷: ۲۹۹).

بر اساس نتایج حاصل از مطالعات و بررسی‌های به عمل آمده در موضوع سیاست خارجی دوره دوم مورد بحث این پژوهش (۱۳۸۴-۱۳۹۲)، می‌توان گفت برخی معتقدند گذار از دوره قبل به این دوره دربرگیرنده تغییرات ماهوی و بنیادین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نبوده، بلکه مجموعه‌ای از تغییر و تحولات بیشتر شکلی در عرصه سیاست خارجی صورت گرفته است (عیوضی، ۱۳۸۷: ۲۲۷-۲۲۶). برخی دیگر نیز مهم‌ترین تحول را در سیاست خارجی ایران با روی کارآمدن دولت جدید در سال ۱۳۸۴، تغییر جهت سیاست خارجی از چارچوب فکری سیاست خارجی اصلاح‌طلبانه - مداراجویانه به رهیافت انقلابی - مهاجم دانستند و بیان داشتند: "بنابراین دور از انتظار نیست که تفکر جهانی و فراملی، با تفکری جایگزین می‌شود که به نظام بین‌الملل بی‌اعتنا، در سخن و عمل با نگاهی جزمی و انعطاف‌ناپذیر، در تلاش برای تغییر

هنجارهای حاکم بر روابط بین‌الملل است. در واقع، بازآفرینی اصول‌گرایی از ویژگی‌های بارز سیاست خارجی در این دوره است" (ازغندی، ۱۳۸۹: ۱۴۳).

دهقانی در توضیح و تفسیر گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور می‌گوید: "عدالت مرکز ثقل گفتمان اصول‌گرایی است... دال متعالی عدالت تنها به گفتمان اصول‌گرایی در سیاست داخلی قوام نمی‌بخشد، بلکه مرکز ثقل و کانون مفصل‌بندی و هویت‌یابی آن در سیاست خارجی نیز است؛ به گونه‌ای که محور و مبنای سیاست خارجی اصول‌گرا، عدالت‌طلبی و عدالت‌گستری در عرصه بین‌المللی است" (دهقانی، ۱۳۸۶: ۷۰).
لذا "گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور جای گفتمان عمل‌گرایی فرهنگی یا صلح‌گرایی مردم‌سالار" (صادقی، ۱۳۸۸: ۳۰۷) می‌نشیند. هم‌چنین به تفکر تجدیدنظرخواه و نگاه انقلابی در تنظیم سیاست خارجی غیریت‌ساز، تاثیر اندیشه‌های ارزشی-اسلامی و موعودگرایانه حاکم بر دولت وقت در هدایت سیاست خارجی به اتخاذ رویکرد تجدید نظرطلبانه در مقابل نظام بین‌الملل، طرح ایده‌هایی چون حکومت آرمانی و واحد و تنظیم و اصلاح مناسبات و نظام حاکم بر دنیا و معرفی ایران به عنوان منشا و خاستگاه این انقلاب و تحول (باقری دولت‌آبادی و شفیع، ۱۳۹۳: ۲۴۱-۲۳۹) اشاره گردیده است.

در این دوره با مورد سوال و حمله قرار دادن ساختار و ماهیت نظام بین‌الملل، از ضرورت اعمال سیاست تهاجمی در قبال غرب سخن گفته شد و به لحاظ تاکتیکی در برجسته‌سازی و پررنگ کردن نقاط ضعف و نارسایی‌های سیاست خارجی کشورهای غربی، با هدف دستیابی به دورنمای تغییر جایگاه و موقعیت ایران از یک کشور متهم به شاکی تلاش‌هایی صورت گرفت (ازغندی، ۱۳۸۹: ۱۴۱). صادق خرازی مهم‌ترین عنصر در سیاست خارجی، این دوره را بحران شناخت و معرفت نسبت به نظام بین‌الملل می‌داند و با ذکر این موضوع که "باید با شرق و غرب با هم کار کنیم و به طور کلی نمی‌توان یک موضوع را ملاک قرار داد و کل هستی و نیستی را به آن گره زد" می‌افزاید: "یک سیاست خارجی فعال و اکتیو که صاحب دکترین ویژه‌ای است و شاهد دستاوردهای بزرگی بوده، باید بداند که امروز در مواجهه با جهانی شدن قرار دارد و نرم‌های جهانی تغییر یافته‌اند. مفهوم قدرت از قدرت سخت و نرم تغییر یافته و چالش امروز چالش عظیم قدرت نرم است. ما یک شیفت اساسی و جدی داریم و اولویت‌سازی ما باید با شرایط جدید همراه باشد" (مصاحبه با صادق خرازی، ۱۳۹۲/۵/۲۰).

با استناد به مطالعات صورت‌گرفته، در آرا و دیدگاه‌های محققان و صاحب‌نظران در باب سیاست خارجی این دوره مواردی چون تقبیح و نقد هنجارها و سازمان‌های بین‌المللی به ویژه سازمان ملل متحد و تلقی و

انگاشت ناعادلانه و تبعیض آمیز از ساختار و ماهیت آن به منزله اهرم فشار قدرت‌های بزرگ و ناکارآمدی و لزوم تغییر و اصلاح آن‌ها مورد اشاره و تاکید مدام قرار گرفته است. هم‌چنین جهت‌گیری سیاست خارجی ایران در حوزه‌هایی چون اعمال سیاست تهاجمی و تقابلی با جهان غرب و آمریکا، اتخاذ و پی‌گیری راهبرد شالوده‌شکن در قبال نظام بین‌الملل، سیاست نگاه به شرق در قالب همکاری و گسترش روابط با روسیه، چین و هند، مقابله با یک‌جانبه‌گرایی در عرصه بین‌الملل، بهره‌گیری از سمبولیسم، تقویت و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و اسلامی، گسترش روابط دوستانه و همکاری با کشورهای آمریکای لاتین، حمایت از جنبش‌های رهایی‌بخش و تلاش برای فعال کردن جنبش عدم‌تعهد قابل ذکر است (دهقانی، ۱۳۸۶: ۸۹ - ۹۴).

با عنایت به مجموع موارد مذکور و نیز با توجه به مفهوم قدرت نرم مبنی بر توانایی تغییر ترجیحات و اولویت‌های دیگران از طریق اقتناع و تولید جذابیت، می‌توان گفت اعمال دیپلماسی عمومی در این دوره در برخی از حوزه‌های جغرافیایی و عقیدتی جهان نظیر کشورهای اسلامی و کشورهای آمریکای لاتین موثر بوده است، هرچند به باور بعضی از صاحب‌نظران و اندیشمندان، میزان و سطح نتایج حاصل از آن، قابل تامل و ارزش‌گذاری خواهد بود.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش در بستر حاصل از مطالعات صورت گرفته در خصوص مباحث نظری و کلان در موضوع رابطه ورزش، سیاست و روابط بین‌الملل و هم‌چنین سیاست خارجی ایران طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۹۲، به طور ویژه به نقش ورزش در گسترش مناسبات بین‌المللی ایران طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۹۲ پرداخته شد و این موضوع در چارچوب‌هایی چون روابط با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی فعال در حوزه ورزش از سوی نهاد دولتی متولی ورزش کشور، کمیته ملی المپیک و صاحبان کرسی‌های بین‌المللی ورزشی با تاکید بر سطح مشارکت، تاثیرگذاری و نقش‌آفرینی در مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای ورزشی، تعاملات و همکاری‌های ورزشی با سایر کشورها در چارچوب سیاست خارجی، حضور و نقش‌آفرینی در عرصه‌های رقابت ورزشی قاره‌ای و بین‌المللی، موفقیت‌ها و توانمندی‌های ورزشی در عرصه بین‌الملل، دیپلماسی ورزشی، کسب و ارتقای منزلت در عرصه جهانی و میزان کامیابی ورزش و دیپلماسی ورزشی در دستیابی به برخی اهداف سیاست خارجی در دوره‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۴ و ۱۳۸۴-۱۳۹۲ مورد مطالعه و بررسی قرار

گرفت و موارد و مصادیق هر یک با بهره‌گیری از روش‌های کتابخانه‌ای، مصاحبه و پرسش‌نامه گردآوری و به تفکیک طبقه‌بندی گردید.

در مجموع نتایج تحقیق حاکی از آن است که ارتباط، همکاری و تعامل با کشورها و سازمان‌های بین‌المللی فعال در حوزه ورزش طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۹۲ همواره و به صورت مستمر صورت پذیرفته است؛ هرچند در موارد مختلف با تفاوت‌هایی همراه بوده، سطوح بعضاً مختلفی را پشت سر گذاشته و به تناسب آن نتایج متفاوتی حاصل گردیده است. در این زمینه می‌توان به ارتباط و همکاری با کشورها، سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی در قالب شرکت در نشست‌ها، اجلاس‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، ملاقات با مقامات ورزشی دیگر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، اعزام تیم‌ها، داوران و مربیان (مسابقات، اردوهای مشترک و بازی‌های دوستانه) و متخصصان ورزشی و هیات‌های کارشناسی، برگزاری مسابقات و میزبانی‌های ورزشی، کسب کرسی‌های ورزشی در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی، امضای یادداشت تفاهم همکاری‌های ورزشی با دیگر کشورها، تفاهمات ورزشی در قالب اجلاس کمیسیون مشترک همکاری و برنامه مبادلات فرهنگی، علمی و آموزشی با سایر کشورها (امضای سند همکاری) اشاره کرد (وزارت ورزش و جوانان، ۱۳۹۴).

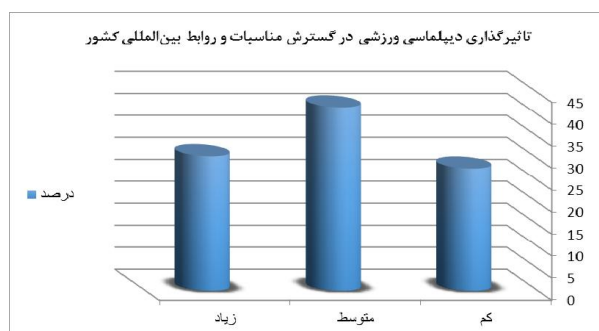
از سوی دیگر، در این سال‌ها با توجه به رویکردهای متفاوت حاکم بر سیاست خارجی، شرایطی پدیدار گشت که می‌توان گفت کلیه مناسبات و روابط بین‌المللی ایران در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... تحت الشعاع این سیاست‌ها قرار گرفت و به نوعی در بستر این اصول و سیاست‌های اعلامی از سوی دولت ادامه حیات یافت و جهت‌گیری‌های خاصی به خود گرفت؛ حوزه ورزش و روابط ورزشی کشور در سطح منطقه‌ای و جهانی نیز از این قاعده مستثنی نبود. اگرچه این موضوع در مورد حضور تیم‌های ایران در میادین و مسابقات ورزشی بین‌المللی تاثیر چندانی نداشته است، اما با استناد به دیدگاه‌ها و اظهارات برخی افراد مسئول در ورزش کشور و صاحبان کرسی‌ها در مجامع بین‌المللی ورزشی در این مورد که طی مصاحبه با ایشان مطرح شده، نمی‌توان گفت حوزه ورزش و روابط ورزشی کشور در سطح منطقه‌ای و جهانی کاملاً از این سیاست‌ها به دور و تاثیرناپذیر بوده و روابط و تعاملات ورزشی در سطح بین‌الملل در حوزه ارتباط با کشورها و سازمان‌های بین‌المللی ورزشی، خارج از حیطه نفوذ و تاثیرگذاری سیاست خارجی دولت و به طور کاملاً مستقل صورت می‌گرفته است.

سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۴

در مجموع نتایج تحقیق حاکی از این است که طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۴ با توجه به عواملی چون رویکرد دولت مبنی بر گسترش تعاملات و مناسبات با جهان و همین‌طور رویکرد فرهنگی آن، فضای بین‌المللی مساعد نسبت به ایران، تاکید بر مفاهیم، تعامل، تنش‌زدایی و اعتمادسازی، نقش گفت‌وگوی تمدن‌ها، اعمال دیپلماسی ورزشی و گام‌های برداشته شده در این راستا به ویژه در حوزه فوتبال و کشتی و همچنین حمایت‌های دولت، دامنه همکاری‌ها و تعاملات ورزشی ایران در سطح بین‌المللی گسترده و با سهولت بیشتری همراه بوده است.

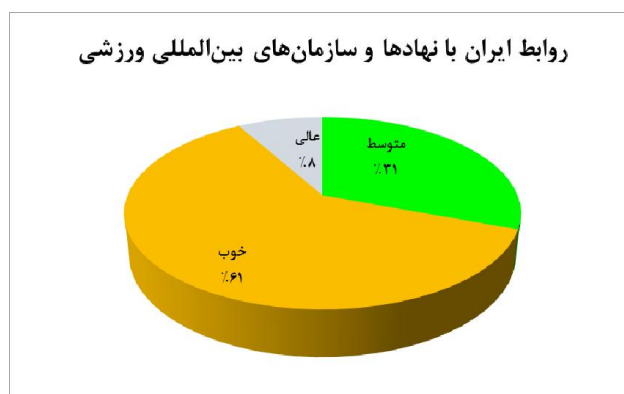
در این دوره، دیپلماسی ورزشی مورد توجه و استفاده قرار گرفت؛ به نوعی که تلاش گردید از ورزش در حوزه روابط دوستانه و تنش‌زدایی با سایر کشورهای جهان و افزایش همکاری‌های موثر با نهادها و مجامع بین‌المللی استفاده شود. یکی از موارد اعمال دیپلماسی ورزشی در این دوره، دعوت از تیم کشتی آمریکا به منظور شرکت در جام تختی در فوریه ۱۹۹۸ (بهمن ۱۳۷۶) در تهران و مسابقه فوتبال بین دو کشور در ۲۱ ژوئن در لیون فرانسه در دور نخست جام جهانی فوتبال ۱۹۹۸ است که تا حدی به تغییر مثبت و تعدیل افکار عمومی آمریکا به نفع ایران کمک نمود (شهابی، ۱۳۸۳: ۱۹-۱۷) و فضای تعاملی بین ملت‌های ایران و آمریکا را به واسطه برقراری ارتباطات ورزشی تلطیف و دوستانه ساخت. رسانه‌های آمریکا نیز در زمان برگزاری این مسابقات نسبت به تبلیغات در مورد برقراری رابطه بین ایران و آمریکا اقدام کردند (Delgado, 2003). برخی نیز بر این باورند که "پیروزی تیم فوتبال ایران با نتیجه ۲ بر ۱ در شیبی به یادماندنی، تبدیل به خاطره‌ای ماندگار در جامعه‌ی ورزشی ایران شد، اما بر خلاف آنچه به عنوان نتیجه عملی «دیپلماسی ورزشی» مورد توقع بود، تحول قابل ملاحظه‌ای در روابط دو کشور رخ نداد. سفر تیم کشتی آمریکا به تهران برای شرکت در مسابقات جهانی کشتی در شهریور ۱۳۷۷، دیدار مجدد دو تیم فوتبال ایران و آمریکا (دی ۱۳۷۸) این بار در خاک آن کشور که به نتیجه تساوی رسید و حضور کشتی‌گیران آمریکایی در مسابقات جام تختی سال ۱۳۷۹ در مشهد نیز نتوانست تغییر چندانی در این فرآیند ایجاد کند. بدین ترتیب، این گزاره‌ی معروف که «دیوار بی‌اعتمادی بین دو کشور بلندتر از آنی است که با اقداماتی این‌چنین برداشته شود» خود را بیشتر نمایان می‌ساخت" (پورمحمد، ۱۳۹۱). با نگاهی حداکثرگرایانه می‌توان گفت تأثیرات آن چندان از سطح تلطیف افکار عمومی دو طرف و برقراری روابط ورزشی فراتر نرفت. به بیان دیگر، دیپلماسی ورزشی به تمامی در قامت گامی موثر در کمک به برطرف کردن چالش‌های سیاسی بین ایران و سایر کشورها و زمینه‌سازی برای رفع محدودیت‌ها و موضع‌گیری‌ها علیه ایران و ایفای نقش

میانجی موفق در حل و فصل مناقشات و کاهش تنش‌ها به عنوان بازوی کمکی سیاست خارجی ظاهر نشد- آنچه با استناد به حوزه مفهومی دیپلماسی عمومی مورد انتظار بود، تماماً شکل نگرفت.



نمودار ۱: تاثیرگذاری دیپلماسی ورزشی در گسترش مناسبات و روابط بین‌المللی ایران طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۴

از سوی دیگر، ارتباط با مجامع و نهادهای بین‌المللی فعال در حوزه ورزش، با حضور موثر و هدفمند در این مجامع به واسطه کسب پست‌ها به ویژه کرسی‌های سطوح عالی و موثر، نقش‌آفرینی و مشارکت در عرصه مدیریت و تصمیم‌گیری جهانی ورزش در کنار سایر کشورها و همچنین الگوسازی با ارایه پیشنهادات و ابتکارات موثر و راهبردی همراه بوده است که با استقبال جهانی نیز روبه‌رو شد.

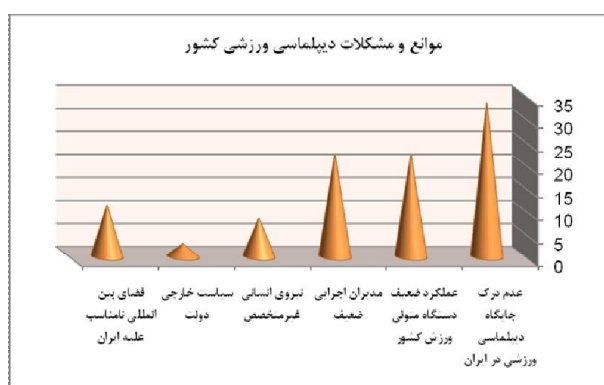


نمودار ۲: روابط ایران با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی ورزشی طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۴

جدول ۱: وضعیت کرسی‌های ایران در نهادها و مجامع بین‌المللی ورزشی طی سال‌های ۱۳۷۶-۸۴۷۶

فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۲	۵/۶	۵/۶
۱۹	۵۲/۸	۵۸/۴
۱۴	۳۸/۹	۹۷/۲
۱	۲/۸	۱۰۰
۳۶	۱۰۰	
کل		

این موضوعات خود نمایانگر نقش ورزش در بهبود و گسترش مناسبات بین‌المللی ایران با سایر بازیگران نظام بین‌الملل اعم از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در این دوره است. در مجموع می‌توان گفت مراد از برقراری روابط و تعاملات ورزشی بین دو کشور در سایه دیپلماسی ورزشی، تسری این نزدیکی و تعامل به حوزه‌های سیاسی است که در این دوره گام‌های موثری در این راستا برداشته شد- هم‌چنین مشارکت و حضور فعال و موثر در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی فعال در حوزه ورزش مد نظر و عمل بوده است. نظرات و دیدگاه‌های مطروحه از سوی برخی از مدیران ورزشی و صاحبان کرسی‌های بین‌المللی ورزشی طی مصاحبه پژوهش‌گر با آنان نیز بیان‌گر این موضوعات بوده و ضمن تایید نقش ورزش در گسترش مناسبات بین‌المللی کشور طی این سال‌ها، از ارتباط مناسب با عربستان سعودی و کشورهای حوزه خلیج فارس و استقبال کشورهای توانمند ورزشی و کشورهای اروپایی نسبت به برقراری روابط ورزشی با ایران نیز یاد شده است.



نمودار ۳: عوامل و مشکلات دیپلماسی ورزشی طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۴

از دیگر موارد ذکر شده این است که روابط فدراسیون‌ها و افراد دارای کرسی‌های بین‌المللی از حاشیه امنیت بیشتری برخوردار بوده است. هم‌چنین، علاوه بر حمایت نهاد متولی ورزش کشور در این دوره، به حمایت وزارت امور خارجه و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در هدایت، معرفی و کارسازی محیط‌های مناسب برای عرضه و تبلور حضور ورزش در زوایای متناسب با آن محیط بین‌المللی به شکل پررنگ، با خط‌مشی مشخص و هدفمند نیز اشاره شده است. گفت‌وگوی تمدن‌ها به عنوان یک سرتیتر، در خیلی مواقع و زوایا در حوزه ورزش خط‌مشی و سیاست مشخصی را در بازتعریف ورزش با توجه به آن محیط بین‌المللی مورد فعالیت به کارگزاران ورزشی ارایه نموده و به عنوان چتر شاملی برای بهره‌گیری از دیپلماسی ورزشی خود به خود هم‌افزایی داشته است. موضوعاتی چون: میزبانی‌های بیشتر ایران و واکنش مثبت کشورها و مجامع بین‌المللی نسبت به این امر، ابتکار عمل و الگوسازی ورزشی ایران برای سایر کشورها به ویژه بانوان

کشورهای اسلامی، ارایه برخی پیشنهادهای ورزشی ایران در مجامع بین‌الملل ورزشی و تصویب آن‌ها مانند تاسیس و میزبانی برخی فدراسیون‌های ورزشی بین‌المللی و قاره‌ای، سهولت بیشتر در مبادلات و اعزام‌های ورزشی با توجه به مواردی مانند اخذ ویزا و نیز استفاده فرهنگی از ورزش کشور در عرصه بین‌المللی در این دوره، از دیگر دیدگاه‌ها و اظهارات این افراد بوده است.



نمودار ۴: نقش آفرینی و مشارکت ایران در سازمان‌های ورزشی بین‌المللی طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۴

افزون بر این، به گسترش سطح تعاملات ورزشی از حوزه صرف مجامع بین‌المللی ورزشی به دیگر نهادها و مجامع بین‌المللی مانند سازمان کنفرانس اسلامی با امضای تفاهم‌نامه ورزشی، مجمع جهانی تقریب مذاهب و اتحادیه بین‌المجالس اشاره شده است. شایان ذکر است برخی از این نظرات حاکی از این بوده که مقوله ورزش، سیاست‌های ورزشی و دیپلماسی ورزشی بیش از این می‌تواند در استفاده از همه ظرفیت‌ها و امکانات خود برای گسترش، تقویت روابط و مناسبات بین‌المللی کشور، ترمیم روابط خدشه‌دار پیشین و نیز افزایش حوزه‌های نفوذ و تاثیرگذاری در مجامع بین‌المللی موفق ظاهر شود. به سخن دیگر، بسیاری از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه این حوزه به دلیل برخی مشکلات و عوامل تا امروز به فعلیت و بهره‌وری منجر نشده است.

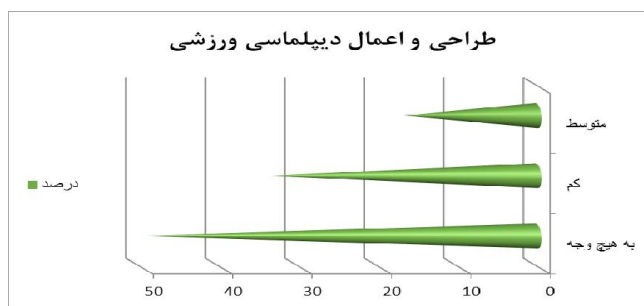
هم‌چنین نتایج حاصل از دیدگاه‌ها و اظهارات برخی از صاحب‌نظران دارای سابقه اجرایی در حوزه مدیریت ورزش کشور و حضور در مجامع بین‌المللی ورزشی، ورزشکاران و کارشناسان حوزه ورزش، حاکی از نقش و تاثیر دیپلماسی ورزشی در گسترش مناسبات بین‌المللی کشور و موفقیت در دستیابی به اهداف سیاست خارجی کشور است. از سوی دیگر، ضمن تایید و تاکید بر گسترش و تعمیق ارتباط با مجامع و نهادهای بین‌المللی فعال در حوزه ورزش در این دوره، بیان‌گر مواردی چون: تاثیر مثبت سیاست خارجی دولت وقت در تقویت و گسترش این روابط، افزایش کرسی‌های موثر و مشارکت و نقش آفرینی ایران در سازمان‌های بین‌المللی ورزشی است و اعمال حمایت دولت نسبت به صاحبان کرسی‌های بین‌المللی

ورزشی در فرآیند کسب کرسی‌ها و فعالیت در این مجامع نیز، بیشتر در طیف متوسط تا خوب عنوان شده است.

نکته‌ای که در برخی از این اظهارات باید به موارد مذکور افزود این است که کسب کرسی IOC به عنوان یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین پست‌ها در سطح خانواده المپیک برای اولین بار در این دوره صورت گرفت که در همین دوره نیز به دلایلی چون: ناآگاهی از ابعاد حقوقی موضوع، ناهماهنگی‌های داخلی و تصمیم‌گیری نامتناسب از سوی بعضی مسئولان ورزشی وقت از دست رفت.

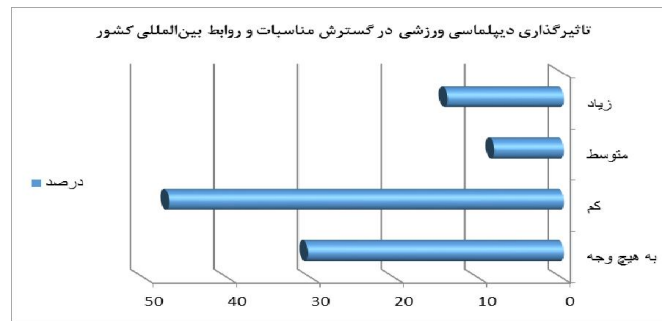
سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۲

با استناد به نتایج تحقیق، در دوره دوم مورد بحث این پژوهش یعنی طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۲ نقش ورزش در عرصه روابط و مناسبات بین‌المللی و همکاری با برخی کشورهای مورد نظر و نیز تاثیرات آن در حوزه سیاست خارجی مورد توجه قرار داشته، اما بیش از این موضوع، استفاده از ورزش در راستای کسب و ارتقای پرستیژ کشور در عرصه بین‌المللی از طریق کسب مقام و عناوین برتر ورزشی و نمایش قدرت در سطح بین‌المللی بوده است. از این رو، به دلیل تاثیرگذاری این امر بر ارزیابی سایر دولت‌ها و تحت تاثیر قراردادن و جلب افکار عمومی ملت‌های سایر کشورهای جهان، می‌توان گفت دیپلماسی ورزشی در این دوره نیز به نوعی مورد توجه دولت بوده و در راستای استفاده از ورزش برای تحقق بخشی از اهداف سیاست خارجی کشور قابل تعریف در گستره دیپلماسی عمومی، گام برداشته شده است.



نمودار ۵: طراحی و اعمال دیپلماسی ورزشی طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۲

هرچند با نگاهی حداکثرگرایانه می‌توان اظهار داشت با توجه به رویکردهای حاکم بر سیاست خارجی ایران در این دوره و سیاست‌های و مواضع برخی از کشورها به ویژه آمریکا و کشورهای غربی نسبت به ایران، از ورزش و دیپلماسی ورزشی در زمینه‌سازی برای کاهش محدودیت‌ها، تنش‌ها، موضع‌گیری‌های خصمانه و تهدیدات و ایفای نقش میانجی در حل و فصل مناقشات و تعارضات در ارتباط با سایر واحدهای سیاسی و مجامع بین‌المللی استفاده نشد.



نمودار ۶: تاثیرگذاری دیپلماسی ورزشی در گسترش مناسبات و روابط بین‌المللی ایران طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۲

نتایج حاصل از دیدگاه‌ها و اظهارات برخی از صاحب‌نظران دارای سابقه اجرایی در حوزه مدیریت ورزش کشور و حضور در مجامع بین‌المللی ورزشی، ورزشکاران و کارشناسان حوزه ورزش نیز سهم قابل توجهی برای نقش ورزش در این دوره در بهبود و گسترش مناسبات بین‌المللی ایران با سایر بازیگران نظام بین‌الملل اعم از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و میزان نقش‌آفرینی و مشارکت موثر کشور در مجامع و نهادهای ورزشی بین‌المللی رقم نمی‌زند. همچنین این دیدگاه‌ها پیرامون مجامع بین‌المللی فعال در حوزه ورزش بیشتر بر این موضوع دلالت داشته است که به‌رغم تداوم همکاری با این نهادها و کسب کرسی‌ها از سوی ایران، بیشتر پست‌های به دست آمده در سطح کرسی‌های موثر و کلیدی نبوده است و تنها رشد کمی کرسی‌ها حاصل گردید. به عبارت دیگر، رشد و ارتقا به بعد کمی محدود بوده و از لحاظ کیفی و میزان تاثیرگذاری، ارتقایی صورت نگرفته است که این امر نقش‌آفرینی و مشارکت موثر ایران در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی ورزشی در سطوح عالی را کاهش داده است. همچنین اعمال حمایت دولت نسبت به نمایندگان صاحب کرسی‌های بین‌المللی ورزشی در فرآیند کسب کرسی‌ها و فعالیت در این مجامع نیز، بیشتر در طیف ضعیف تا متوسط عنوان شده است.

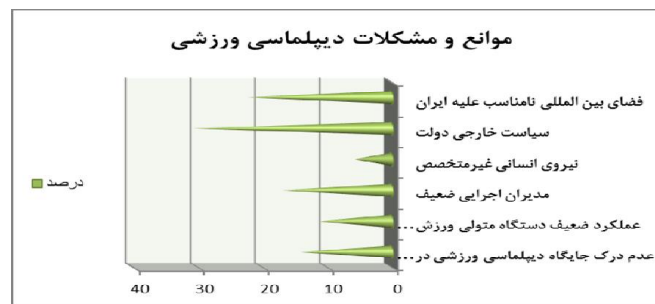
جدول ۲: وضعیت کرسی‌های ایران در نهادها و مجامع بین‌المللی ورزشی طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۲

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	
۵۲/۸	۵۲/۸	۱۹	تنزل داشته
۶۶/۷	۱۳/۹	۵	کرسی‌ها موثر بوده
۷۲/۲	۵/۶	۲	ارتقاء داشته
۱۰۰	۲۷/۸	۱۰	کرسی‌ها موثر نبوده
	۱۰۰	۳۶	کل



نمودار ۷: نقش آفرینی و مشارکت ایران در سازمان‌های ورزشی بین‌المللی طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۲

در پاره‌ای از نظرات نیز به افزایش بودجه دولتی به منظور ارتقای توانمندی‌های فنی ورزشی و نتایج مثبت حاصل از آن، اعمال سلايق فردی برخی مدیران و دخالت‌ها از سوی نهاد متولی ورزش کشور مرتبط با حوزه بین‌المللی ورزش و عواقب ناشی از آن نظیر تعلیق فدراسیون‌های ورزشی ایران، وجود نیروی انسانی غیرمتخصص و برخی مدیران ناآشنا با حوزه روابط بین‌الملل ورزشی، از دست دادن کرسی‌های مهم و موثر در نهادها و مجامع بین‌المللی ورزشی، فقدان برنامه و هدف مشخص در حوزه دیپلماسی ورزشی و بروز برخی مشکلات و موانع در مراودات بین‌المللی ورزشی با توجه به موج سیاسی در عرصه بین‌الملل نسبت به ایران ناشی از موضع‌گیری‌های دولت در این دوره اشاره گردیده است.



نمودار ۸: موانع و مشکلات دیپلماسی ورزشی طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۲

در مجموع، در برخی از اظهارات و نظرات افراد مصاحبه شونده در موضوع دیپلماسی ورزشی ایران، به فقدان راهبرد و برنامه در هر دوره ۱۳۷۶-۱۳۸۴ و ۱۳۸۴-۱۳۹۲ اشاره شده است. نکته مهم دیگر در حوزه روابط نمایندگان ایرانی صاحب کرسی در سازمان‌های بین‌المللی ورزشی و حضور در این مجامع طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۹۲ که بسیاری از این افراد این موضوع را یادآور شدند که در این مجامع و نهادها مسایل سیاسی کم‌تر مورد توجه است و در بسیاری از موارد کاملاً مستقل عمل می‌کنند و به توانمندی‌های افراد توجه دارند، اما نمی‌توان به تمامی بیان داشت که مواضع و سیاست خارجی کشور در این مناسبات و روابط به هیچ وجه تاثیرگذار نبوده است. به بیان دیگر، در بسیاری موارد رویکردهای تعاملی دولت طی سال‌های

۱۳۷۶-۱۳۸۴ با توجه به سیاست تنش‌زدایی، اعتمادسازی و گفت‌وگوی تمدن‌ها در این روابط تاثیرات مثبت داشته، در صورتی که در مورد سیاست‌ها و رویکردهای بعضاً تقابلی دولت طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۲ این گونه نبوده است.

در خصوص روابط با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی فعال در حوزه ورزش، نتایج حاصل از آزمون T بر روی داده‌های گردآوری شده نشان می‌دهد که بر اساس پاسخ جامعه نمونه، طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۴ این امر از وضعیت مناسب‌تری برخوردار بوده است؛ به گونه‌ای که میانگین مجموع سوالات مرتبط با این موضوع برای دوره (۱۳۷۶-۱۳۸۴) ۲۲/۱۱ و برای دوره (۱۳۸۴-۱۳۹۲) در سطحی بسیار پایین‌تر یعنی ۱۶/۴۴ بوده است.

جدول ۳: آزمون T در مورد روابط ایران با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی فعال در حوزه ورزش

مقطع زمانی	n	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معنی داری	α (خطای نوع اول)
۱۳۷۶-۱۳۸۴	۳۶	۲۲/۱۱	۳/۶۳	۹/۱۲۴	۳۵	۰/۰۰	۰/۰۱
۱۳۸۴-۱۳۹۲	۳۶	۱۶/۴۴	۳/۱۸				

چون مقدار سطح معنی داری از $\alpha=0/01$ کوچکتر است، پس در زمینه روابط بین سازمانی در دو مقطع مورد مطالعه، در سطح اطمینان ۹۹ درصد، تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به میانگین هم مشخص شده که در دوره اول (۱۳۷۶-۱۳۸۴) میانگین نمرات بالاتر است.

مقایسه سوالات مرتبط با موضوع فوق به صورت زوجی نشان می‌دهد که پرسش‌های مطرح شده برای ارزیابی روابط با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی ورزشی در مجموع نشان از عملکرد بهتر در سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۴ در این زمینه بوده است. در واقع، میانگین اکثر پاسخ‌ها در دوره ۱۳۷۶-۱۳۸۴ بالاتر از دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۲ بوده است. البته دو استثنا در این زمینه وجود دارد: یکی مربوط به میانگین مساوی آن‌ها در زمینه تاثیرپذیری روابط ایران با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی فعال در حوزه ورزش از سیاست خارجی دو دولت مورد مطالعه بوده که این امر حاکی از اهمیت زیاد سیاست خارجی ایران در این زمینه است؛ دیگری هم مربوط به تاثیرپذیری موضوعات مربوط به تصدی پست و کرسی پاسخ دهندگان از سیاست داخلی و خارجی بوده که این امر حاکی از میانگین بالاتر دولت سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۲ نسبت به دولت در سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۴ بوده است- امری که نه به عنوان نکته‌ای مثبت، بلکه امتیازی منفی قابل قلمداد است.

جدول ۴: آزمون T دو نمونه ای ارزیابی روابط ایران با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی فعال در حوزه ورزش

انحراف استاندارد	نمونه	میانگین	سوالات	
۰/۵۹۰۹۴	۳۶	۲/۷۷۷۸	۱	Pair 1
۰/۵۵۷۷۷	۳۶	۱/۴۴۴۴	۱۶	
۰/۵۴۷۱۹	۳۶	۲/۶۱۱۱	۲	Pair 2
۰/۵۹۲۹۵	۳۶	۱/۳۶۱۱	۱۷	
۰/۶۹۶۳۶	۳۶	۲/۵۲۷۸	۳	Pair 3
۰/۶۰۸۸۰	۳۶	۱/۵۲۷۸	۱۸	
۰/۷۰۱۴۷	۳۶	۳/۲۷۷۸	۴	Pair 4
۰/۹۷۴۲۷	۳۶	۳/۲۷۷۸	۱۹	
۰/۶۵۴۰۵	۳۶	۲/۵۲۷۸	۵	Pair 5
۱/۳۴۱۶۴	۳۶	۲/۱۶۶۷	۲۰	
۰/۶۵۴۰۵	۳۶	۲/۹۷۲۲	۶	Pair 6
۰/۷۰۸۲۳	۳۶	۲/۱۱۱۱	۲۱	
۰/۶۰۹۴۵	۳۶	۲/۸۳۳۳	۷	Pair 7
۰/۶۹۶۹۳	۳۶	۱/۸۳۳۳	۲۲	
۰/۹۰۶۳۳	۳۶	۲/۵۸۳۳	۸	Pair 8
۱/۰۸۵۲۵	۳۶	۲/۷۲۲۲	۲۳	

در زمینه دیپلماسی ورزشی نیز تحلیل‌های انجام گرفته بر مبنای آزمون T نشان می‌دهد دولت در سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۴ نسبت به دولت سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۲ عملکرد مناسب‌تری داشته است؛ به گونه‌ای که مجموع میانگین سوالات مربوطه برای دوره اول برابر با ۲۱/۱۳ و برای دوره دوم ۱۷/۶۹ بوده است.

جدول ۵: آزمون T دیپلماسی ورزشی

مقطع زمانی	n	میانگین	انحراف استاندارد	t	df	sig	α (خطای نوع اول)
۱۳۷۶-۱۳۸۴	۳۶	۲۱/۱۳	۳/۰۱	۴/۹۳۱	۳۵	۰/۰۰	۰/۰۱
۱۳۸۴-۱۳۹۲	۳۶	۱۷/۶۹	۴/۱۰				

چون مقدار سطح معناداری از $\alpha=0/01$ کوچکتر است، پس با سطح اطمینان ۹۹ درصد، دولت در سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۴ نسبت به دولت در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۲ از میانگین و عملکرد بهتری برخوردار بوده است- مقایسه سوال‌های مرتبط با هم در هر رابطه با هر دو دوره به خوبی گویای این واقعیت است.

جدول ۶: آزمون T دو نمونه ای دیپلماسی ورزشی

انحراف استاندارد	نمونه	میانگین	سوالات	
۰/۵۰۰۰	۳۶	۳/۷۵۰۰	۹	Pair 9
۰/۸۴۰۹۲	۳۶	۳/۵۸۳۳	۲۴	
۰/۷۷۸۶۸	۳۶	۲/۷۲۲۲	۱۰	Pair 10
۰/۷۵۵۹۳	۳۶	۱/۶۶۶۷	۲۵	
۰/۷۷۴۰۸	۳۶	۳/۰۲۷۸	۱۱	Pair 11
۰/۹۸۴۰۰	۳۶	۲/۰۵۵۶	۲۶	
۱/۶۲۷۸۸	۳۶	۲/۵۸۳۳	۱۲	Pair 12
۱/۷۷۱۹۱	۳۶	۳/۹۴۴۴	۲۷	
۰/۵۸۲۸۲	۳۶	۳/۰۵۵۶	۱۳	Pair 13
۰/۶۳۷۴۶	۳۶	۱/۷۷۷۸	۲۸	
۰/۶۵۹۴۹	۳۶	۳/۲۷۷۸	۱۴	Pair 14
۰/۹۶۰۷۴	۳۶	۳/۳۶۱۱	۲۹	
۰/۶۵۹۴۹	۳۶	۲/۷۲۲۲	۱۵	Pair 15
۰/۶۴۹۱۸	۳۶	۱/۴۱۶۷	۳۰	

بحث و نتیجه گیری

در جمع‌بندی و تحلیل نهایی "نقش ورزش در گسترش مناسبات بین‌المللی ایران طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۹۲" می‌توان گفت ورزش در حوزه روابط و مناسبات بین‌المللی نقش و تاثیرات مثبتی داشته که با توجه به عوامل متنوع داخلی و خارجی، سطوح و رویکردهای متفاوتی را از لحاظ کمی (قلت و کثرت) و کیفی در سایه اهداف تعریف شده در آن مقطع زمانی پشت سر گذاشته است.

در دوره اول مورد بحث این پژوهش (۱۳۷۶-۱۳۸۴)، بیش‌تر به نقش ورزش در توسعه روابط دوستانه با دیگر کشورها توجه شد، چون در این دوره بر نقش عوامل فرهنگی و تقارب و تعامل فرهنگ‌ها، قدرت نرم و گفت‌وگو در سیاست خارجی تاکید بیشتری وجود داشت. در واقع، از آن‌جا که در این دوره رویکرد حاکم بر سیاست خارجی تنش‌زدایی، گفت‌وگو و تفاهم بود، ورزش می‌توانست در جهت بسط روابط دوستانه موثر باشد و جایگاه ویژه‌ای را در تحقق این مهم به خود اختصاص دهد و از این‌رو، ورزش به عنوان ابزاری برای توسعه مناسبات و روابط دوستانه و همکاری‌جویانه در سطح جهان مورد توجه و استفاده قرار گرفت و در سایه این امر، بسیاری از روابط و تعاملات ایران در سطح بین‌المللی تعمیق و گسترش یافت. به بیان دیگر، ورزش و مناسبات بین‌المللی در این دوره تعامل و هم‌افزایی داشت و از هم‌افزایی و

دیپلماسی ورزشی در عرصه روابط بین‌المللی بهره گرفته شد؛ به نوعی که استفاده موثر و دیپلماتیک از ورزش در پیشبرد و تامین اهداف سیاست خارجی کشور نظیر گسترش همکاری، مفاهمه، تنش‌زدایی و اعتمادسازی در روابط با سایر واحدهای سیاسی و تعامل سازنده با دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی با توجه به نقش مهم عوامل فرهنگی و بهره‌روی از قدرت نرم در عرصه روابط خارجی صورت گرفت. از این‌رو، به مقوله ورزش تنها به منظور کسب مقام در عرصه جهانی و بالابردن توانمندی‌ها و قابلیت‌های ورزشی نگریسته نشد و برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌های ورزشی تنها بر این اساس رقم نخورد، بلکه بسط همکاری‌ها و روابط دوستانه با جهان با ابزار ورزش مورد توجه دولت قرار داشت. به عبارت دیگر، ورزش در گسترش مناسبات بین‌المللی ایران نقش داشته و موثر بوده و در مسیر تحقق اهداف سیاست خارجی کشور گام برداشته است.

در دوره دوم مورد بحث این پژوهش (۱۳۸۴-۱۳۹۲)، رویکرد سیاست خارجی مواجهه‌جویی با برخی قدرت‌های غربی بود و حوزه‌های تخصصی و تقابل ایران افزایش یافت. پس ورزش نمی‌توانست به تمامی به عنوان ابزاری برای توسعه روابط دوستانه با جهان مورد توجه قرار گیرد. در این دوره، بر سیاست پرستیژ تاکید فراوانی وجود داشت. لذا ورزش نیز بیشتر به عنوان ابزاری در جهت ارتقای پرستیژ مورد استفاده قرار گرفت. رویکرد دولت، سرمایه‌گذاری و هزینه در ورزش بود تا با کسب موفقیت‌ها و افتخارات بزرگ در صحنه‌های ورزشی مانند المپیک، مسابقات جهانی و آسیایی، از این امتیاز در جهت تبلیغ موفقیت‌های خود چه در عرصه داخلی و چه در عرصه خارجی برخوردار باشد. هرچند در ایران کسب موفقیت‌ها و پیروزی‌های ورزشی در عرصه جهانی و منطقه‌ای همواره مورد توجه و حمایت دولت بوده است، اما می‌توان گفت در این دوره، بیش از پیش به این موضوع توجه و تاکید شد و اراده و برنامه نهاد دولتی متولی ورزش کشور بر ارتقای سطح کیفی و کمی توانمندی‌های ورزشی و دستیابی به جایگاهی بالاتر از آنچه ورزش کشور پیش از این تجربه کرده بود، قرار گرفت. به سخن دیگر، در این دوره به نقش‌آفرینی ورزش در عرصه بین‌الملل و برقراری مناسبات و روابط دوستانه با برخی کشورهای مورد نظر و نیز تاثیرات آن در حوزه سیاست خارجی و تامین اهداف و منافع تعریف شده در این حیطه توجه می‌شد، اما این امر عمدتاً برای توسعه و گسترش همکاری‌ها و روابط دوستانه نبود، بلکه بیشتر معطوف به کسب و ارتقای پرستیژ کشور در عرصه بین‌المللی به واسطه کسب مقام و عناوین برتر ورزشی، نمایش قدرت در سطح بین‌المللی و همچنین نشان دادن غلبه بر مشکلات ناشی از تحریم‌های بین‌المللی بود؛ به صورتی که موفقیت و پیروزی ایران در صحنه‌های ورزشی بین‌المللی می‌توانست نشان‌دهنده قدرت کشور و عدم تاثیر تحریم‌های بین‌المللی باشد.

از آنجا که یکی از دستاوردهای این نمایش قدرت و توانمندی- به غیر از تاثیرگذاری بر ارزیابی و نگاه سایر دولت‌ها- تحت تاثیر قرار دادن و جلب افکار عمومی ملت‌های سایر کشورهای جهان خواهد بود، می‌توان گفت دیپلماسی ورزشی در این دوره نیز مورد توجه دولت قرار داشته است. بنابراین در این دوره در جهت استفاده از ورزش برای تحقق بخشی از اهداف سیاست خارجی کشور که در گستره دیپلماسی عمومی قابل تعریف است، گام برداشته شد. از دیدگاه کلان‌تر، با توجه به رویکردهای حاکم بر سیاست خارجی ایران در این دوره، سیاست‌ها و مواضع برخی از کشورها به ویژه آمریکا و کشورهای غربی نسبت به ایران و همچنین تمامی زوایای مفهومی دیپلماسی ورزشی مانند زمینه‌سازی در کاهش محدودیت‌ها، موضع‌گیری‌های خصمانه، تهدیدات و انزوای کشورها، ایفای نقش میانجی در حل و فصل مناقشات و کاهش تنش‌ها و تعارضات به عنوان بازوی کمکی سیاست خارجی در ارتباطات با سایر کشورها و مجامع بین‌المللی، می‌توان اظهار داشت ورزش و دیپلماسی ورزشی در این دوره به طور ویژه و متمرکز در این راستا گام جدی برداشت و در راستای سیاست خارجی وقت به گسترش همکاری‌ها و تعمیق مناسبات و روابط با برخی کشورها مانند کشورهای آمریکای لاتین، کشورهای اسلامی و مواردی دیگر بسنده نمود.

با عنایت به تمامی مباحث و نتایج پژوهش می‌توان گفت در مجموع طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۹۲ به نقش و کار ویژه ورزش در عرصه بین‌الملل در موارد مختلفی چون: برقراری و تحکیم روابط دوستانه با سایر کشورهای جهان، استفاده از دیپلماسی ورزشی، تعمیق و گسترش همکاری‌ها با سازمان‌های و نهادهای بین‌المللی فعال در حوزه ورزش و مشارکت و نقش‌آفرینی در این مجامع و بهره‌گیری از ورزش برای کسب ارتقا و پرستیژ بین‌المللی توجه شده، اما این موضوع از سوی هر دولت، به صورت همسان اعمال نشده است؛ یعنی در هر دوره برخی از این وجوه مورد استفاده قرار گرفته و به لحاظ کمی و کیفی سطوح متفاوتی داشته است. به عبارت دیگر، طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۴ نقش ورزش در برقراری روابط دوستانه، گسترش و تعمیق همکاری‌ها با کشورها و سازمان‌های بین‌المللی فعال در حوزه ورزش و نیز دیپلماسی ورزشی پررنگ‌تر و موثر بوده و نتایج بهتر و قابل توجهی را به همراه داشته است. همچنین حضور در مجامع بین‌المللی فعال در حوزه ورزش با افزایش کسب کرسی‌های موثر و ارتقا مشارکت و نقش‌آفرینی در سطوح عالی و موثر همراه بوده که این موارد به معنای تعامل و هم‌افزایی بیشتر ورزش و روابط بین‌الملل در این دوره است. طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۴ نیز نقش ورزش در کسب و ارتقای پرستیژ بین‌المللی کشور به واسطه حمایت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های دولتی، ارتقای توانمندی‌ها و کسب موفقیت‌های ورزشی ناشی از آن در عرصه بین‌المللی پررنگ‌تر و موثرتر بوده است، ولی دیپلماسی ورزشی در راستای ترمیم روابط، کاهش تنش‌ها و تهدیدات و مواضع خصمانه نسبت به کشور در عرصه بین‌المللی به خدمت گرفته نشد.

با عنایت به کلیه موضوعات مورد مطالعه و نتایج آن، پیشنهاد می‌شود به منظور افزایش هر چه بیشتر نقش مثبت و میزان تاثیرگذاری ورزش در حوزه گسترش مناسبات بین‌المللی ایران، رویکردهای مورد اشاره در هر دو دولت قبلی مورد بحث، به طور توأم و با نگاهی جامع و پرهیز از تقلیل‌گرایی مورد بهره‌ر قرار گیرد. به بیان دیگر، شایسته است بهره‌گیری از ورزش و دیپلماسی ورزشی در چارچوب اهداف و منافع ملی، در کلیه وجوه ممکن مانند توسعه و تعمیق مناسبات بین‌المللی کشور در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و ورزشی، تحقق برنامه‌های توسعه و پیشرفت کشور، ایجاد اتحادهای سیاسی و راهبردی با کشورها، تقویت حضور در سازمان‌ها و مراجع بین‌المللی از طریق کسب کرسی‌های موثر و مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری‌های جهانی و منطقه‌ای، مشارکت فعال در اجلاس‌ها و همایش‌های بین‌المللی، تقویت هم‌دلی و همبستگی با سایر کشورها، تنظیم مجدد و بهبود روابط با سایر بازیگران نظام بین‌المللی، کاهش و رفع تنش‌ها، ایجاد صلح و دوستی، شکستن محدودیت‌ها، مواضع و برنامه‌های تهدیدآمیز علیه کشور به صورت منفرد یا اجماع برخی کشورها به ویژه قدرت‌های بزرگ، نمایش قدرت ورزشی ایران و کسب و ارتقای پرستیژ بین‌المللی، تقویت روابط دوجانبه با دیگر کشورها متناسب با ظرفیت‌ها و امکانات و فرصت‌های همکاری ورزشی، تقویت توانمندی‌ها و ارتقای سطح حضور در میادین رقابتی ورزشی بین‌المللی، افزایش حجم مبادلات و همکاری‌های دوجانبه، ارتقای سطح تعاملات در سطح سران کشور، معرفی و ترویج ارزش‌ها و فرهنگ کشور، تحکیم و توسعه قدرت نرم در عرصه بین‌الملل، ارتباط موثر با افکار عمومی جهان، خنثی نمودن تصویر منفی از کشور در نظام بین‌الملل و افکار عمومی جهان، تسهیل تردد و اعزام‌های ورزشی، بهره‌گیری از توانمندی‌ها و تجارب ورزشی و فرهنگی دیگر کشورها، با برنامه‌ریزی و اقدام اصولی و هدفمند صورت پذیرد تا بتوان از تاثیرات و نقش ورزش در همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی در عرصه بین‌الملل منتفع گردید.

هم‌چنین یکی از موضوعات مهم در راستای نقش‌آفرینی ورزش در گسترش مناسبات بین‌المللی کشور، ارتباط با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی فعال در حوزه ورزش و کسب کرسی در این مجامع بین‌المللی است. از دلایل این اهمیت می‌توان به فراهم‌شدن امکان حضور و نقش‌آفرینی کشور در مراجع تصمیم‌گیری کلان ورزشی، تاثیرگذاری بر فرآیند تصمیم‌سازی‌ها و مدیریت ورزش جهانی و الگوسازی با ارایه پیشنهادات و ابتکارات موثر و راهبردی اشاره نمود که نه تنها به گسترش دامنه نفوذ و تاثیرگذاری در سطوح عالی بین‌المللی و ارتقای پرستیژ کشور در عرصه جهانی می‌انجامد، بلکه می‌تواند با شناسایی فرصت‌ها و موانع پیش‌رو زمینه‌های لازم را برای اعمال دیپلماسی ورزشی کشور فراهم آورد. هم‌چنین در این مجامع به دلیل لزوم مشارکت، همکاری، هماهنگی و تبادل‌نظر در فرآیند تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، طیفی از ارتباطات اجتناب‌ناپذیر بین کشورها شکل می‌گیرد که بستر مناسبی برای توسعه روابط دوستانه دو کشور در دیگر حوزه‌ها از طریق ورزش قلمداد می‌شود و همواره این امکان وجود دارد

تا بین نمایندگان کشورها در این مجامع نوعی هماهنگی و همسویی حاصل شود که در بسیاری موضوعات خود را به شکل اعلام حمایت متقابل از مواضع یکدیگر می‌نمایاند. لذا می‌توان گفت این تعاملات، در صورت برخورداری از یک برنامه و استراتژی مشخص می‌تواند عامل موثری در نزدیکی و هم‌سویی کشورها باشد که نتایج حاصل از آن واجد این توانایی بالقوه است که حوزه روابط و تعاملات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دو کشور را نیز در سطوح متفاوت تحت‌الشعاع قرار دهد. به عبارت دیگر، از شرایط و مناسبات منبث از کسب کرسی‌ها در راستای تسهیل و تسریع ایجاد شرایط مورد نیاز برای اعمال دیپلماسی ورزشی - در خدمت دیپلماسی سیاسی - سود جست. در این راستا حمایت‌های دولت در موضوع کسب کرسی‌ها در کلیه سطوح حائز اهمیت و تعیین‌کننده خواهد بود؛ چنان‌که با استناد به مصاحبه‌های صورت گرفته با بسیاری از نمایندگان ایران در این مجامع و اظهارات ایشان، این امر از سوی بسیاری از کشورهای که موفق به کسب کرسی‌های عالی بین‌المللی شده‌اند اعمال شده و عامل تعیین‌کننده و غیرقابل انکاری در موفقیت آن‌ها در این خصوص بوده است. افزون بر این‌ها، موضوع مهم دیگر لزوم شناسایی و معرفی افراد آگاه به مسایل بین‌المللی، با صلاحیت، متعهد، توانمند و متخصص از سوی مراجع ورزشی کشور برای معرفی به مجامع بین‌المللی به منظور کسب کرسی‌ها است تا بتوان از گردونه رقابت با سایر کشورها در این حوزه عقب نماند و امکان حضور ملی در این عرصه مهم و تاثیرگذار بین‌المللی را به آسانی به سایر کشورها واگذار ننمود.

در حوزه دیپلماسی ورزشی نیز ضروری است در صورت عزم و اراده مقامات سیاسی و تصمیم‌گیرنده کشور در اعمال دیپلماسی ورزشی، این امر با سیاست‌گذاری‌های اصولی، کاربردی و طراحی استراتژی‌های مناسب و راهبردی صورت پذیرد و از پشتوانه استراتژیک و قدرت لازم برای تحقق و عملیاتی شدن برخوردار باشد؛ به طوری که در هماهنگی و تعامل نهاد دولتی ورزش کشور و وزارت امور خارجه به عنوان نهاد متولی سیاست خارجی و دیپلماسی، سیاست‌ها تدوین و تصویب شده و در قالب برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت مورد تبعیت و اجرا قرار گیرد. علاوه بر این، با عنایت به حوزه عمل و برخی محدودیت‌های قانونی، تقلیل دادن موضوع در حد یک برنامه عاری از پشتوانه عالی سیاسی و راهبردی راه‌گشا نخواهد بود به ویژه در مقطع کنونی که ورزش ایران به لحاظ فنی و کیفی ارتقای چشم‌گیری نسبت به گذشته داشته است و چشم‌انداز روزهای آتی با افتخارات ورزشی بیش از این نیز، دور و دست‌نیافتنی نمی‌نماید. به عبارت دیگر، برای حصول نتایج مورد انتظار در استفاده دیپلماتیک از ورزش به عنوان یک ابزار غیر سیاسی و قابل تعریف در حوزه فرهنگی و قدرت نرم، لازم است دیپلماسی ورزشی با برخورداری از یک برنامه راهبردی و هدفمند از سوی نهادهای متولی و ذی‌ربط سیاسی و ورزشی طراحی و اعمال شود، فاقد پشتوانه نظری و عملی اصولی نباشد و به صورت غیر هدفمند، نقطه‌ای و صرفاً مبتنی بر سلیقه شخصی یا گروه قلیل عمدتاً غیر تاثیرگذار در ساختار قدرت و تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی مورد

توجه قرار نگیرد. افزون بر این نگاه به ورزش و کارکرد دیپلماسی ورزشی باید واقع‌گرایانه باشد و نتایج مورد انتظار متناسب با قابلیت‌های حوزه ورزش برآورد شود، چرا که اعمال دیپلماسی ورزشی و دستاوردهای آن، ارتباط مستقیمی با شرایط داخلی آن کشورها و مشکلات و موانع داخلی در هر دو کشور، شرایط ویژه بین طرف‌های تعامل، سابقه و عمق پیچیدگی‌های اختلافات سیاسی بین دو طرف و ماهیت و عمق اراده و خواست رهبران سیاسی آنان برای گسترش یا تلطیف، ترمیم و احیای روابط دوجانبه دارد.

افزون بر تاثیرات و نقش دیپلماسی ورزشی، نکته مهم دیگری که باید اشاره نمود این است که امروزه ورزش در عرصه جهانی در بازخوانی مفهوم قدرت نقش دارد. هزارتویی که مناسبات ورزشی در عرصه بین‌المللی رقم می‌زند، تنها به ایفای نقش واحدهای سیاسی محدود و محصور نیست و دولت‌ها یکه‌تاز نیستند، بلکه مقوله‌ای به نام شهروندی فرهنگی شکل می‌گیرد که حتی دولت‌ها هم کنار می‌روند و نقش نهادهای بین‌المللی مانند فدراسیون‌های بین‌المللی بیش از پیش خواهد بود. این موضوع لزوم عملکرد ملی در این چارچوب و منطبق با شاکله جهانی آن را هویدا می‌کند- امری که می‌تواند نیازمند بازنگری در طراحی و اعمال سیاست‌های ورزشی ملی باشد.

با در نظر داشتن جمیع موارد یاد شده می‌توان اظهار داشت، در این صورت است که حوزه ورزش با عنایت به قابلیت‌های نرم‌افزاری خود می‌تواند با برداشتن موانع، در هموار نمودن مسیر روابط ایران با سایر کشورهای جهان بر پایه احترام و منافع متقابل نقش و امتیاز ویژه‌ای را به خود اختصاص دهد، در راستای تحقق اهداف سیاست خارجی و دیپلماسی کشور گام‌های موثر و مقتدرانه‌ای بردارد و در موضوع نقش‌آفرینی موثر در گسترش روابط و مناسبات کشور با بازیگران دولتی و غیردولتی نظام بین‌الملل به منظور تامین و تحقق اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در گستره نظام بین‌الملل، بیش از پیش و موفق‌تر ظاهر شود.

منابع

- آشنا، حسام‌الدین و جعفری هفت‌خوانی، نادر. (۱۳۸۶). "دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی، پیوندها و اهداف". دوفصلنامه دانش سیاسی. دوره ۳، شماره ۵
- اسماعیلی، محمد. (۱۳۸۹). "نقش دیپلماسی رسانه‌ای در ارتقای پرستیژ ملی". باشگاه اندیشه. ۱۴مهر
- ازغندی، علیرضا. (۱۳۷۸). "تنش‌زدایی در سیاست خارجی، مورد جمهوری اسلامی ایران (۷۸-۱۳۶۷)". فصلنامه سیاست خارجی. سال سیزدهم، شماره ۴
- ازغندی، علیرضا. (۱۳۸۹). چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. چاپ اول، تهران: نشر قومس
- التیامی‌نیا، رضا و محمدی عزیزآبادی، مهدی. (۱۳۹۴). "نقش تبعی و تسریع‌کننده ورزش در فراهم کردن شرایط صلح در بین دولت‌ها". فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا، شماره بیست و دوم.
- باقری دولت‌آبادی، علی و شفیعی، محسن. (۱۳۹۳). از هاشمی تا روحانی (بررسی سیاست خارجی ایران در پرتو نظریه سازه‌نگاری). چاپ اول، تهران: نشر تپسا
- پایگاه تخصصی سیاست بین‌الملل. (۱۳۹۴). "نظریه‌های روابط بین‌الملل: واقع‌گرایی".
- پورمحمد، محمد. (۱۳۹۱). "نگاهی به تلاش‌های آمریکا برای رابطه با اصلاح‌طلبان (چرا دیپلماسی فوتبال شکست خورد)". پایگاه تحلیلی-تبینی برهان، ۷ بهمن.
- تاجیک، محمدرضا و دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۲). "الگوهای صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاست خارجی ایران". فصلنامه راهبرد. مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، شماره ۲۷.
- حسن‌خانی، محمد. (۱۳۸۴). "دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها". دو فصلنامه دانش سیاسی. دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، شماره ۲.

- خرازی، صادق (۱۳۹۲). "نتیجه سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد تقابل بود(گفت‌وگو با خبرگزاری فارس)". سایت دیپلماسی ایران، ۲۰ مرداد.
- داداندیش، پروین و احدی، افسانه. (۱۳۹۰). "جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران". فصلنامه روابط خارجی. سال سوم، شماره ۱
- دهقانی، سید جلال. (۱۳۸۶). "گفتمان افتمان (بهار انقلاب اسلامی با اصول‌گرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد)". دو فصلنامه دانش سیاسی. شماره ۵
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و فیروزی، علیرضا. (۱۳۹۱). "دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصول‌گرایی". فصلنامه روابط خارجی. سال چهارم، شماره ۲
- زرگر، افشین. (۱۳۹۴). "ورزش و روابط بین‌الملل: جنبه‌های مفهومی و تئوریک". فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. سال یازدهم، شماره ۳۱
- ساداتی، سید شهاب‌الدین. (۱۳۸۸). "ورزش از دیدگاه مکتب فرانکفورت: رابطه ورزش فرهنگ، تجارت، صنعت، سیاست و ایدئولوژی". ماهنامه گلستانه. شماره ۱۰۲.
- سجادی، سید نصرالله. (۱۳۹۲). مدیریت روابط بین‌الملل در ورزش. چاپ اول، تهران: انتشارات پیشگامان توسعه
- شورای المپیک آسیا-OCA. (۱۳۹۴). www.ocasiasia.org
- شهابی، هوشنگ. (۱۳۸۳). "دیپلماسی ورزشی بین ایالات متحده و ایران". فصلنامه گفت‌وگو. شماره ۴۲.
- صادقی، زهرا. (۱۳۸۸). "تبیین دو مفهوم صلح و عدالت و جایگاه آن در سیاست خارجی دولت نهم". فصلنامه راهبرد توسعه. شماره ۱۷.
- عیوضی، محمد رحیم. (۱۳۸۷). تحلیلی بر سیاست خارجی آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد. فصلنامه راهبرد توسعه. شماره ۱۴.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۹۳). روابط بین‌الملل (نظریه‌ها و رویکردها). چاپ هشتم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)

- کمیسیون ملی یونسکو (۱۳۹۴): www.irunesco.org
- کمیته بین‌المللی المپیک - IOC (۱۳۹۴): www.olympic.org/ioc
- کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴): www.olympic.ir
- کوپر، سایمون. (۱۳۹۳). فوتبال علیه دشمن. عادل فردوسی‌پور. چاپ پنجم، تهران: نشر چشمه
- گریفیتس، مارتین. (۱۳۹۰). دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان. علیرضا طیب. چاپ اول، تهران: نشر نی
- گودرزی، محمود؛ اسدی، حسن؛ خیرری، محمد و دوستی، مرتضی. (۱۳۹۱). سیاست و ورزش. چاپ اول، تهران: انتشارات موج قلم
- لورمور، روگر و بودر، آدرین. (۱۳۹۳). ورزش و روابط بین‌الملل. سید نصرالله سجادی و اکبر حیدری. چاپ اول، تهران: نشر علوم ورزشی (حتمی)
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی. (۱۳۹۴).
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۹۰). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. چاپ ششم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
- ملکوتیان، مصطفی. (۱۳۸۸). "ورزش و سیاست". فصلنامه سیاست. دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۲.
- هادیان، ناصر و احدی، افسانه. (۱۳۸۸). "جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی". فصلنامه روابط خارجی. سال اول، شماره ۳
- هرسیج، حسین و ملایی، اعظم. (۱۳۸۷). "قدرت نرم‌افزاری ایران در دوران ریاست جمهوری خاتمی (۱۳۸۴-۱۳۷۶)". فصلنامه سیاست. دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۴.

اسناد

- گزارش عملکرد کمیته ملی المپیک (۱۳۷۹-۱۳۷۵)
- گزارش عملکرد کمیته ملی المپیک (۱۳۸۳-۱۳۷۹)

- گزارش عملکرد کمیته ملی المپیک (آبان ۱۳۸۳- آبان ۱۳۸۴)
- گزارش عملکرد کمیته ملی المپیک (اردیبهشت ۱۳۸۵ - آذر ۱۳۸۴)
- گزارش عملکرد کمیته ملی المپیک (۱۳۹۲-۱۳۸۷)
- پیام المپیک شماره ۵ (بهمن ۱۳۹۳)
- کتاب جامع ورزش (۱۳۸۶) سازمان تربیت بدنی
- Ahmad Shahid, Shakeel and Perveen, Kauser .(2015). "**Cricket for Politics and Peace; from 1987 to 2007 Cricket World Cup between India and Pakistan**". International Journal of Science Culture and Sport (IntJSCS), vol.3, No.4.
- Australian Sport Diplomacy Strategy .(2015-2018).
- Bureau of Educational and Cultural Affairs (ECA) of the U.S. Department of State .(2015). "Sport Diplomacy".
- Delgado, Fernando .(2003). "**The fusing of sport and politics: Media Constructions of U.S. Versus Iran at France '98,**". Journal of Sport & Social, vol.27, no.3, 293-307.
- Griffin, Nicholas .(2014). **Ping-Pong Diplomacy: the Secret History behind the Game that Changed the World.**
- International Platform on Sport and Development (2015). **Sport and Peace-building.**
- Merkel, Udo .(2008). "**The politics of sport diplomacy and reunification in divided Korea: one nation, two countries and three flags**". International Review for the Sociology of Sport, Vol.43, no.3, 289-311.
- Murray, Stuart .(2011). "**Sports -Diplomacy: a hybrid of two halves. Paper presented at the international symposium on cultural Diplomacy**". Berlin. papers/2011-symposium/Sports-Diplomacy-a-hybrid-of-two-halves--Dr-Stuart-Murray.pdf

- Nygård, Håvard Mogleiv and Gates, Scott .(2013). **"Soft power at home and abroad: Sport diplomacy, politics and peace-building"**. International Area Studies Review, vol. 16, No. 3, 235-243.
- United Nations Office on Sport for Development and Peace – UNOSDP. (2015). **Sport and Peace**.
- Ushkovska, Mare and Petrushevska, Tatjana .(2015). **SPORTS DIPLOMACY: DEVELOPMENT AND PRACTICE**. Research in Kinesiology, Vol.43, No.1, pp.89-93.

Role of Sports in Development of International Relations of the Islamic Republic of Iran (1997 – 2013)

Fatemeh Shahrezaei

Master degree in International Relations, Political Sciences Department, Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran

Reza Shirzadi

Ph.D. in Political Sciences, Academic Member, Political Sciences Department, Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran

Received: 16 Dec. 2015

Accepted: 23 Feb. 2016

In this research, the role of sports in development of international relations of the Islamic Republic of Iran has been studied from 1997 to 2013. The method applied is “Analytic” and “Descriptive”. The Library references, interview and self-structured questionnaire have been implemented. In questionnaire, “Statistical population” has been included the “National Sports Directors, International Sports Authorities, National Athletes, Champions and international Sports Experts. In Interview, “Statistical population” included Sports Directors and International Sports Authorities. The Sampling which has been applied was “Targeted” and Non-randomly. The Construct and Content Validity have been approved by distinguished university experts; Cronbach's alpha has been applied for investigating the questionnaire reliability. The data gathered via questionnaire is also processed by SPSS software and the result has been applied in order to analyze descriptive and deductive responses. “Two-Sampled T2 Test “has been used. The primary study in current research is based on the field of visionary and theoretical issues in Sports, International Relations and Politics. Then the foreign policy of the country has been studied during these years and as a result the role of sports in international transactions of Iran has been examined in the divided periods of 1997-2005 and 2005-2013.

The findings indicated emphasis and further consideration on the role of sports in expansion of friendly relations and cooperation with other states and international organizations in the first period(1997-2005) because of the considerable role of cultural , soft power and discuss in foreign policy , and also consideration and use of sport as a tool for broadening international prestige of country with earning success in the international sport field and power play in the second period of this research(2005-2013).

Key words: Sports, International Relations, Development of Cooperation, Sports Diplomacy, International Prestige and International Sports Organizations